

کتاب قانون

کتابی درباره حکومت شهریار ولی و ابعاد آن

نویسنده: شهریار مسدد

مقدمه

با یاد و نام ایزد متعال کتابی را که در دست تهیه داریم حاوی مطالبی است که برای پیشبرد کار حکومت آتی ایران بزرگ بسیار سودمند و بلکه اساسی خواهد بود. این کتاب شامل ده بخش است و هر بخش از آن به بعدی از ابعاد حکومت جدید با نظری خاص به امر قانونگذاری میپردازد. اصولاً قانون های امروز بشری بیشتر بر اساس قانونی بنام منشور جهانی حقوق بشر تدوین شده اند. این منشور بطور کلی سند مفیدی است ولی بدون یک بازبینی اساسی و پایه ای سندی ناقص و فاقد کارایی لازم میباشد. امروز بشریت نیاز به این دارد که بتواند از قانونی مدون و منسجم پیروی نماید. اینکه هر جامعه ای به میل رهبران خود که اکثراً هم صالح و اندیشمند نیستند قانون و قانونهایی تدوین کند و سپس مردم را ملزم به اجرای آن بداند منطقی نیست بلکه ظالمانه است. این کاری است که سالها پیش در جمهوری اسلامی صورت گرفت باین صورت که فردی بنام خمینی خود را در رأس کار و بر فرق ملتی تحمیل نمود که پیش از آن از قانونی مدون پیروی میکردند. خمینی با سواد و دانش اندک حوزه ای و خط و ربطی که در دنیای امروز جایی نداشت با قلدر مآبی که در هیچ رهبری سابقه نداشته است قانونهایی برای اداره کشور تدوین نمود که تنها میتوان نام طالبانی یا داعشی بر آنها نهاد. آیا میباید هر بند قانون طوری تدوین شود که بتوان آنرا به میل هر رهبر یا دولتی تغییر داد؟

خمینی با چه جرأتی چنین کاری را صورت داد؟ آیا در کشور بزرگ ایران دیگر چنان قحط الرجالی شد که کسی را یارای این پرسش نبود که آخر با کدام ملاک قانون وضع میکنید؟ براستی نیز چنین شد، زیرا حضور مدعش خمینی و سیاستهای وحشیانه او همه دلسوزان بحال ملت و مملکت را فراری داد و آنچه ماند همه دست نشانده های خمینی و تقاله هایی بودند که اغلب به دلایل واهی یا رژیم شاه فقید درافتاده و بارها به زندان افتاده بودند. اگر شاه میخواست روش درستی اتخاذ کند میباید چند نفر از آنها را به تلویزیون میآورد تا عقاید و نظریات خود را آزادانه ابراز کنند. آنگاه قضاوت اینکه اینان چه میخواهند و آیا حق میگویند یا نه بعهده مردم بود. آنچه مسلم است اگر افرادی از سلک خمینی و خامنه ای به تلویزیون و در حضور ملت آورده میشدند بقدری سخافت و حضور چندش آوری از خود بروز میدادند که مردم رویگردان شده دیگر فریب این طایفه را نمیخوردند. ولی شاه فقید چه کرد؟ در عوض اینکه این فرقه و پلیدی و ریاکاری را که ذاتی آنهاست به مردم بشناساند با پنهان کاری آنها را به زندانهای اغلب کوتاه مدت میافکند. تعجبی نیست که اینان که پس از آزادی جسارت هم پیدا کرده بودند بدتر و شدیدتر بجان ارزشهایی میافتادند که شاه در صدد پیاده کردن آنها بود. اینرا میتوان بعنوان یکی از نقصانهای سیاست دوران شاه خاطر نشان کرد.

در ایران آینده دیگر آخوند و طبقه ای با اسم فقیه یا روحانی جایی نخواهد داشت که بخواهد در قوانین مدوّن مملکت اخلاص کند.

اینکه امروز امامی از جانب پروردگار عالم برگزیده و به میان مردمان فرستاده شده است میباید موجب دلخوشی و سعادت باشد چرا که تا کنون آنچه بر ملت عزیز ایران تحمیل گردیده وجود امامان پوشالی و دروغین از سلک خمینی و خامنه ای بوده است. آیا ملت بزرگی که شاهان و رهبران عالیقدری چون کوروش و خشایار را تجربه نموده میباید به چنین فلاکتی میافتاد که خمینی و شان دمار از روزگارش در آورند؟ رضا شاه که میتوان از او بعنوان پدر ایران مدرن یاد کرد و محمدرضا شاه که دلسوزانه ایران را در مسیر اعتلا پیش میبردند امروز نیستند که ببینند عمّامه داران چه بر سر ایران آوردند. اما وجود رهبری که تأییدات الهی را به همراه دارد میباید موجبات شادی روح را برای آن عزیزان فراهم آورد.

کتاب قانون که از نظر میگذرانید نوشته من و با تأییدات الهی بدست مردم مینماید میرسد. کتابی نیز تحت عنوان قانون اساسی جداگانه بتحریر رسیده و برای مطالعه و بازبین عزیزان موجود است. اگر مطلبی را مشاهده میکنید که سؤال بر انگیز یا قابل بحث است میتوان روی آن تبادل نظر نمود. من بر خلاف حکومت ملّایان از روحیه ای برخوردارم که انتقاد را میپذیرم و اگر مطلبی را بر زبان میآورم بنظم مصالح ملّتم در آنست. از این گذشته بخاطر قرباتی که من نسبت به پروردگار عالم دارم آنچه میگویم مستقیماً تأیید الهی را به همراه دارد. این موضوع یعنی رهبری الهی برای مردم وطن ما تازگی دارد زیرا حافظه تاریخی ایرانیان دوران شکوهمند پادشاهی با اسم کوروش را بیاد ندارد. کوروش کبیر که با تأییدات الهی و فره ایزدی بر کشور ایران و کشورهای دیگر تحت سلطه حکومت میکرد برای تمام اعصار الگویی ارزشمند بیادگار گذارد. فرد دیگری که در تاریخ ظهور نمود و با تأییدات الهی بر نیمی از عالم حکومت کرد موسوم است به دوالقرنین. این دو عزیز بزرگوار تنها پادشاهانی هستند که حکومت الهی را پیاده کردند. از این دو پادشاه که بگذریم پیامبرانی نیز بوده اند که چنین جایگاهی داشتند. یکی از آنها البته یوسف بود که بر بخشی از مصر حکومت کرد و دیگری فردی نبود مگر سلیمان نبی که قلمرو وسیعی را در اختیار داشت.

اجازه دهید اینک به کتابی بپردازیم که میتواند برای قانونگذاری در کشور زادگاهم بعنوان یک سند مهم مورد استفاده قرار گیرد.

بخش یکم

قانونگذاری

اجازه دهید برای بررسی نحوه بهینه برای قانونگذاری ابتدا به بندی از منشور حقوق بشر که استفاده و کاربرد جهانی دارد بپردازیم.

بند ۱- تمام ابنای بشر آزاد زاده شده و در انسانیت و حقوق با هم برابرند. عقلانیت و وجدان بآنها ارزانی شده و لازم است تا با یکدیگر عادلانه و برادرانه رفتار کنند.

در این بند به اصل آزادی بشر اشاره شده که بسیار قابل تقدیر و تحسین می باشد. برابری در حقوق نیز مسئله ای اساسی در قانونگذاری است. سپس امر عدالت و رفتار برادرانه مطرح میشود. گنجاندن این سه اصل در بند اول نشانه عمق بینش افرادی است که در تدوین این قانون شرکت داشته اند. اما آنچه در این منشور جایش خالی ست اشاره به این موضوع است که رضایت و خشنودی پروردگار میباید همیشه در مد نظر باشد. آری تمام ابناء بشر در آفرینش یکسان و دارای حقوقی هستند که آزادی اصل پایه ای آنها تشکیل میدهد. اما اعطای آزادی به مردمان نمیتواند بدون در نظر گرفت نقش و جایگاه الهی باشد. مبانی آزادی میباید خداپسندانه باشند باین معنی که آزادی نمیتواند بی حد و حصر بوده به افراد امکان سوء استفاده دهد. آزادی نباید در محوری قرار گیرد که خدا را ناخوشنود و بندگان خدا را ناراحت و پریشان کند.

آزادی میباید منوط به این باشد که قوانین الهی که توسط پیامبران به بشر اعطا گردیده اند رعایت و مبانی هدایتی کتب آسمانی مورد اهانت قرار نگیرند. پیامبران هر یک با منشوری که از طرف ایزد متعال به ارمغان آوردند اصولی را مطرح ساختند که برای خوشبختی بشر و دوری وی از پرتگاهها میبایستی رعایت شوند. از شیث فرزند آدم (ع) گرفته تا پیامبران اولوالعزم مانند ابراهیم، موسی، عیسی، و محمد همه حامل کتاب قانونی بوده اند که بر اساس پیشرفت جامعه بشری و ارتقاء روحانی و عقلانی بشر تغییرات و تحولاتی داشته اند. هیچیک از قوانینی که پیامبران ارائه نمودند با هم در تناقض نبوده اند و اگر قانونی قانون پیشین را نقض کرده همواره علت آن با توضیحات متقن ذکر شده است.

بعنوان مثال برای اینکه زنان در جامعه از شرایط مساوی با مردان بهره مند

گردید و در مسیر عفت و اعتدال قدم بردارند مسئله ای بنام حجاب در دوران یهود مطرح گردید و در دوره مسیحیت این قاعده محدود به مراکز مذهبی (کلیسا) گردید و زنان در خارج از این محیط ملزم به رعایت این پوشش نبودند. در دوران پیامبر اکرم نیز حجاب از طریق آیه ای به زنان مسلمان توصیه شد ولی هرگز بصورت یک قانون الزامی درنیامد. ما که ادامه دهنده راه پیامبران و اولیاء خدا هستیم در حکومتی که در صدد تشکیل آنیم این اصل را بعنوان یک توصیه برای حفظ پوشش خانمها مطرح میکنیم ولی رعایت یا عدم رعایت آنرا بر عهده خود بانوان میگذاریم.

مثال دیگر اینکه در ارتباط با مجازات بدنی و اعدام که روشهای بعضی از پیامبران الهی برای به صلاح آوردن جوامع بوده اند امروز کارکرد خود را از دست داده اند. اعدام، قطع عضو، یا هرگونه تنبیه بدنی در جوامع امروز بشری جایی نداشته و ندارند. بنابراین ما این روشها را از جانب پروردگار عالم منسوخ اعلام میکنیم. در جوامعی که در آنها اینگونه تنبیهات بعنوان یک راه حل بکار برده میشده رشد کافی برای قانونمند بودن وجود نداشته است بهمین دلیل پیامبران الهی ناگزیر بودند برای حفظ صلح و آرامش به چنین روشهای شدیدی دست یازند. ولی امروزه استفاده از اینگونه روشها افراط در مجازات محسوب و در بسیاری از موارد نیز نماد وحشیت شمرده میشود.

اینرا باید گفت که برای بعضی جرائم که روح جامعه بشری را جریحه دار میسازند میتوان مجازاتی از قبیل حبس ابد یا حبسهای دراز مدت توأم با کار اجباری در نظر گرفت. امروز جامعه مدرن بشری از دورانهای پیشین فرسنگها فاصله گرفته و جامعه از قوانین پیشرفته و حسابشده تابعیت میکند و قوانین قرون وسطایی دیگر جایی در قانونگذاری ندارند. بشر امروز با اینهمه پیشرفتهای علمی و هنری و تکنولوژیک نمیتواند با قوانین دوران پیامبر اسلام یا پیامبران پیش از وی اداره شود. اگر در آن دوران بخاطر دزدی حدی زده میشد یا دستی قطع میگردد با توجه به شرایط آنزمان برای کنترل اینگونه جرایم لازم و ضروری بوده است. ولی امروزه اجرای چنین تنبیهاتی احساسات بشری را جریحه دار میکند. بنابراین میباید از اجرای احکام شدید و غلیظ بکلی خودداری شده روشهای نرمتری را که در بسیاری از جوامع نتیجه بخش بوده جایگزین نمود.

از دیدگاه ما قوانینی که در این دوران یعنی از زمان حکومت خمینی ملعون به اینطرف وضع گردیده اند تماماً فاقد اعتبارند و اگر بگوییم که قانون اساسی حکومت این نامردمان را میتوان یکسره به زباله دان تاریخ افکند گزاف نگفته ایم. آیا میتوان به قانون اساسی که حاصل تراوشات اذهان بیمار و جنایت کار همراهان و ملازمان خمینی بوده در مجلسی که

نمایندگان آن با هزار نیرنگ و توطئه و رشوه کرسی کسب میکنند استناد جست؟ قطعا جواب این پرسش منفی است. ایران و ایرانی باندازه کافی از این نامردمان ضربه و صدمه خورده اند و نام اینان را باید جزو سیاهترین صفحات تاریخ بشر ثبت نمود. اگر بخواهیم درد دل ملل همسایه ایران از جمله عراق و افغانستان و ملل خاور نزدیک را جسته باشیم آنها نیز از حکومت ننگین ملایان دلی خون رنگ دارند و هرگز حاضر نخواهند بود که حکومتی مشابه حکومت ایران را در کشورهای متبوعشان داشته باشند.

قتل قاسم سلیمانی این جانی بالفطره صفحه ای تازه در تاریخ منطقه گشود که بمنزله دمیدن روحی تازه در کالبد بیمار مللی بود که سلیمانی و یارانش کشورهای آنها را به خاک و خون کشیدند. خمینی خود میدانست که چه فتنه ای را در منطقه و جهان آفریده و تحویل داده است. خمینی امروز در آتش جهنم دچار عذاب مضاعف است زیرا آنچه را که او به ایران و کشورهای مجاور آورد هرگز در تاریخ سابقه نداشته و تنها میتوان آنرا با فتنه مغول و تاتار مقایسه نمود. با اینهمه ایران از برخی اتباع مغول نیز انسانهایی ساخت که در تاریخ از خود نام نیک بجا نهادند. خمینی حتی اینرا هم نتوانست بجا آورد و صفحات تاریخ را از لوٹ وجود خود و هم طریقانش سیاه کرد.

ما بنا داریم که ایران را به اعتلا برسانیم نه آن اعتلایی که خمینی ملعون قولش را میداد، بلکه اعتلایی که در خور نام و مقام ایران و ایرانیست. خداوند منان امروز بمن این نیابت را عطا فرموده که نه تنها ایران عزیز یعنی زادگاهم را بلکه کشورهای را که در تاریخ گذشته در تحت سلطه ایران بوده و در دوران پادشاهان فاسد و تن پرور قاجار از ایران جدا گشته اند به سرزمین مادر باز گردانم. اینرا نه به تنهایی بلکه با کمک جمعی از یاران و همراهان بسیار فرهیخته انجام خواهیم داد. حکومت ما از پایگاهی در کشور آذربایجان هدایت و رهبری میشود و شامل بعضی از سرزمینهای جدا شده از جمله آذربایجان، ارمنستان، عراق، سوریه، و لبنان و غیره خواهد بود. ایران بزرگ با سیستم جمهوری اداره خواهد شد که رهبری آن بر عهده من، و رئیس جمهور آن بنا بر الهام الهی منتخب من خواهد بود. ما بنا داریم که از ایران و کشورهای تابعه یک بهشت بسازیم که مدلی برای سایر کشورهای دنیا تشکیل دهند.

در عین حال اینرا میدانیم که سفیانی همراه با یارانی که بطور علنی و سری در زیر بیرق خود دارد در این دوره یعنی در دوران رهبری من بیکار ننشسته بلکه سرگرم تدارک توطئه خواهند بود. ما بهیچوجه درگیر جنگ یا خونریزی با این گروه یا گروههای دیگر نخواهیم شد و برخورد با آنان را به امام زمان یعنی مهدی خواهیم سپرد که بعد از من ظهور نموده عالم

را به مرحله آخر آن که مقدمه قیامت کبری ست نزدیک خواهد کرد. همزمان با مهدی فرد دیگری از عالم قدس رجوع میکند که همان مسیح آخرالزمان است و من پیش قراولی آیندو عزیز بزرگوار را بعهده دارم. از یکطرف مهدی که بمنزله فرزند من است و از جانب دیگر مسیح روح الله که برای اتمام حجت و دفع شر از جوامع یهود و عیسوی به عالم نزول میکند. من در دوران حکومت خود همانند کوهی راسخ برای پیروان هر سه این ادیان خواهم بود و برای هدایت و ارشاد این جوامع برگزیده شده ام. مسلمانان از هر گروه و دسته ای که هستند باید بدانند که امروز امامی دارند که از عالم قدس برای رسیدگی به وضع آنان و برای ارشاد آنده از مسلمین که به حقانیت علی علیه السلام و فرزندان بر حق او معتقدند فرستاده شده و حامل رسالتی الهی است تا جامعه بشری را بسوی تعالی رهنمون شده شرایط را برای ظهور امام زمان آماده کند.

پروردگار عالم برای این مهم بمن رسالت تام بخشیده تا کشتی نجاتی را برای اتباع این سه دین که تعداد آنها به میلیونها میرسد فراهم نموده آنها را از گزند که در انتظار آنهاست بر امان دارم. این گزند که خانمان و دودمان کسانی را که در برابر رسالت ما قد برافراشته و اخلاص کنند بر باد خواهد داد توسط کسی نیست مگر امام زمان مهدی از یکسو و عیسی مسیح از سوی دیگر. اتباع این ادیان میباید به رهنمودهای من که از منشأ حق و حقیقت و الهامات الهی سرچشمه میگیرد توجه نموده از آنچه ما میگوییم روی بر نگردانند که بنفع و صلاح آنهاست. خداوند منان از طریقی که اتباع این ادیان یعنی سه دین مذکور ابراهیمی در طی سالیان و قرون متمادی در پیش گرفته اند ناخوشنود بلکه غضبناک است و این غضب در انتظار کسانی است که از رهنمودهای انسانساز و حیاتبخشی که توسط ما ارائه میشود سرپیچی نموده نسبت بآن بی اعتنائی یا احیاناً عناد بخرج دهند.

در صدر گروههایی که سخط و غضب الهی را بر خود خریده اند ابتدا گروههای باصطلاح جهادی هستند که تحت عنوان داعش یا القاعده به جنایات دهشتناک دست زده اند. در مرحله بعد دستجاتی مانند طالبان و هشد الشعبی و امثال آن قرار دارند. بلافاصله بعد از این گروهها حکومت کفر و الحاد ملایان حاکم بر ایران قرار دارد. اینان سخط و غضب الهی را بحدی رسانیده اند که اکنون ما مأمور گردیده ایم تا تعدادی از رهبران اینان را بدست عدالت سپاریم. خداوند منان در تقویم ازلی خود ماه اکتبر ۲۰۲۱ را برای آغاز نهضت من قرار داده اند و من در فاصله نزدیکی از این تاریخ حضور و ظهور خود را اعلام میکنم. اگر افرادی نسبت به این اصل که من برگزیده الهی و امام خلائق بشمار هستم شک و تردید دارند توصیه میکنم که اگر اهل ایمانند این کتاب را مطالعه کنند و اگر هم از احاد کفر و بی

ایمانی هستند بهتر است به راه خود ادامه دهند و پاپی ما نشوند چرا که من بنا ندارم که با آنان جز از طریق مصالحه و مدارا رفتار و معامله کنم.

رسول اکرم در دوران رسالت خویش به سدها و موانع بسیاری برخورد کرد و هریک از اینها بلطف خداوند و گاه با کمک امدادهای غیبی از سر راه برداشته شدند. وجود فردی مانند علی این شیر حق در کنار رسول خدا قطعاً امری تعیین کننده بود. از طرف دیگر خدعه های منافقین از جمله ابوبکر، عمر، و عثمان باعث صعب تر شدن طریقی بود که رسول خدا در پیش گرفته بود. امروز این سدها در برابر ما نیست زیرا شرایط دوران بسیار تغییر کرده است. ولی سدهای جدیدی مطرح اند که بمدد الهی و با تدبیر و اقتدار کنار زده میشوند و برای من و همراهانم راهی نسبتاً هموار و مسیری کم انحناء طرح ریزی شده است. ما بنا نداریم که با کشور یا ملّتی از در دشمنی یا جنگ افروزی درآییم و دستوری که من دارم عبارت از مصالحه و مدارا با تمامی ملل جهان است. راه ما با کمک افراد برتر در هر زمینه چه از نظر علمی، حقوقی، تکنولوژیک، و چه از نظر سیاسی پیش خواهد رفت و بنا نداریم که از متدها و سیستمهای قرون وسطایی استفاده کنیم. من که خود دو ملیّتی هستم به کشور زادگاهم ایران عشق و علاقه بیحدّی دارم. ولی به کشور محل اقامتم نیز که آمریکا است علاقه و سرسپردگی دارم. هرگز اجازه نخواهم داد که کسی به هریک از ایندو کشور تعرّضی نموده یا مخاطره ای برای اهالی آنان ایجاد کند. از طرف دیگر کشورهای روسیه و چین و سایر کشورهایی که در این مدت چهل و اندی سال با حکومت ملّایان همکاری مستمر سیاسی و اقتصادی داشته اند میبایستی نزد ما و ملت شکوهمند ایران جوابگو باشند چرا که نفع اقتصادی را به شرف و وجدان انسانی فروختند و برای خود و دولتهای خود سیه رویی خریداری کردند؟ آیا این تعداد کشته های بیگناه که ملّایان از آنها پشته ها ساختند اثری بر قلب و روح آنها نداشته و ندارد؟ پس چگونه نام انسان بر خود مینهند؟ بهر حال همه باید در فردای آغاز نهضت ما در محکمه وجدان انسانی جوابگو باشند و در فردای قیامت نیز محکمه عدل الهی در انتظار آنهاست.

رادیو و تلویزیون بی بی سی و وسایل ارتباط جمعی دیگری که این مدّت آب به آسیاب جنایتکاران و سیهکاران جمهوری سخیف ملّایان ریخته اند میباید در برابر تریبون مل ایران پاسخگو و از اعمال و رفتار گذشته خود اظهار ندامت و پشیمانی نمایند. حکومتی که بدست من تأسیس میشود همواره با عملکردی شفاف و با وجدانی آگاه و بیدار مشغول فعالیت خواهد بود و همه یاران و همراهان ما دارای تأییدات الهی خواهند بود. اگر کسانی بر علیه موازینی که ما برقرار میکنیم عمل کرده روح خدمتی را که ما در پی آنیم خدشه دار کنند

فورا کنار گذاشته میشوند. حکومت‌های عرب منطقه که با شیعه و شیعیان مشکل دارند طبعاً از نهضت ما که پیگیر و ادامه دهنده راه رسول الله و امامت ائمه اطهار میباشد فاصله گرفته از ما برائت خواهند جست. اینان امامی را برسمیت نشناخته نهضتی را که امام حسین و یارانش در پیش گرفتند آنان را آزرده خاطر میسازد. زیرا ترجیح میدادند شعله های اسلام راستین خاموش گردیده اسلامی دروغین و پوشالی همانند آنچه معاویه و یزید و خلفای اموی و عباسی نمایندگی میکردند مورد توجه عام مسلمین قرار گیرد. امروز نیز اینان از اینکه جمعیتی نسبتاً زیاد از مردمان منطقه که عمدتاً وابسته به ایران بزرگ است به امامان شیعه سرسپردگی دارند مغضوب و ناراضی اند. با این وجود ما با سران این حکومتها از در صلح و دوستی بر خواهیم آمد و بهیچوجه سر جنگ یا ایجاد ناآرامی در منطقه را نداریم. پادشاه فقید ایران هر چند دارای خطاهایی نیز بود اما در ایجاد منطقه ای آرام و امن سهمی بسزا داشت و تردیدی نیست که بخاطر خدمات ارزنده ای که نسبت به خاکوطن و نسل و نوع ایرانی صورت داد در نزد خداوند منان جایگاه خوبی را داراست. همچنین پدر ایشان یعنی رضا شاه نیز بنوبه خود حقی بر گردن ملت ایران داشته و دارد چرا که ایران را از منجلاهی که پادشاهان بی لیاقت قاجار ساختند نجات بخشید و دست ملایان نابکار را از سیاست بکلی قطع نمود. ایران آینده میباید یاد و نام این بزرگان تاریخ ایران را گرمی دارد.

پروردگار منان که لطف خاصی نسبت به اینجانب داشته و دارند مرا بر امر صورت بخشی به کار بخشی از جهان گمارده اند. این تقریباً مشابه کاری ست که ذوققرنین یا کوروش کبیر در تاریخ انجام دادند. کوروش کبیر در مقرر فرماندگی و رهبری خود محیطی دلدیر برقرار کرد و آرامش را در دوران رهبری خود برای کشورهای تحت امپراطوری ایران تأمین نمود. وی همچنین برای امت یهود نجاتبخشی بود که درتاریخ نظیر ندارد و یهودیان نام کوروش کبیر را همواره با مسیحا یعنی نجات بخشی که در انتظار آند همطراز داشته و میدارند. اینکه خداوند متعال فردی را بزرگ دارد و او را حامی گردد به مذاق عده و جماعتی خوش نمی آید و سعی بر آن داشته و دارند که این بزرگان را بدنام کنند یا بنحوی از محبوبیت آنان بکاهند. تصورم بر اینست که این افراد و گروهها برای اینجانب نیز سوژه هایی را بخاطر مشوب کردن اذهان عمومی مطرح نمایند. ولی توکل من تماماً به پروردگار و خالق عالم هستی است و تردیدی نیست که بلطف یزدان توطئه های مذبوحانه خنثی گردیده علوی را که لایق آنم توسط هم میهنان و نیز جمعیت‌های دیگر تحت سلطه بمن داده خواهد شد. من بنا دارم که بنام ایزد متعال حکومت کنم و به آیات حیاتبخش قرآن کریم که تماماً بر وحی الهی استوارند زندگی تازه ای بخشم. قرآن این منشأ وحی که کتابی آسمانی و دارای معانی تو در تو و تأویل گونه است امروز در دست ماست. میتوان گفت که به توطئه عمر و

عثمان این قرآن قدری با آنچه توسط جبرئیل از عالم قدس نازل شده تفاوت دارد. این تفاوت نه بواسطه تغییر چرا که این کتاب از هرگونه دستخوردی محفوظ بوده و هست. بلکه بواسطه کاستی یعنی پاره ای از آیات که بنا بر وحی پروردگار بر قلب پیامبر نازل و بر صفحاتی تقریر شدند از کتاب اصلی محذوف شده است. اصل کتاب که قرآن کامل است در آندوران بدست علی محفوظ ماند و در آینده ای نه چندان دور توسط امام زمان مهدی بدست مؤمنین بازگردانده میشود. مهدی که مرا همچون فرزندی عزیز است همچنین کتابی تحت عنوان جفر از عالم قدس به ارمغان خواهد آورد. در این کتاب شریف آیات و بخشهایی به زندگی من و شخصیت روحانی من و بعضی از نزدیکانم اختصاص دارد. دوره حکومت و رهبری ما اندکی بیش از سیزده سال خواهد بود و بعد از پایان این دوران مهدی صاحب الزمان در معیت یارانش با شمشیرهای آخته سر میرسند. اینان برای پاک کردن جهان هستی از لوث کافران و بدکاران بسیج میشوند. کسی را یارای مقابله با آنان نخواهد بود چرا که بلطف الهی از نیرویی معجزه آسا بهره مندند. اندکی پس از ظهور مهدی ونهضت خونینی که با تأیید الهی براه میاندازد مسیحا نیز بر زمین نزول کرده ابتدا در پشت مهدی صاحب الزمان نماز میگذارد. سپس برای پاک کردن عالم از لوث کافرکیشان یهودی و مسیحی اقدام میکند.

چندی بعد قومی نیز که هم اکنون در زیر لایه هایی از زمین مکنونند سر بر آورده و اهالی زمین را با وحشتی بی سابقه روبرو میکنند. این قوم که موسوم به یأجوج و مأجوجند توسط مرغان آسمان از تیره ابابیل کشته و معدوم میشوند و از لاشه های آنان پشته ها ساخته میشود. آنانیکه با خواندن این سطور از حوادث پیش رو احساس وحشت و نگرانی میکنند بدانند که میباید قدر نهضت ما را که نهضتی صلح آمیز است بدانند و از اینکه به کانالها و جریانهای انحرافی بروند بشدت پرهیز کنند. بسیاری از گروهها یا گروهکها داعیه اینرا دارند که شما را به سعادت دنیوی و گاهها نیز اخروی میرسانند. بدانید که هر گروه یا جمعیتی که با نهضت ما مرتبط نیست و در مسیر دیگری قرار دارد قطعاً راه انحراف و زوال را میپیماید. لذا هشدار میدهم که از پیوستن بآنها خودداری کنید و بدبختی خود و خانواده هایتان را فراهم نیاورید.

در ارتباط با قوم یهود گروههایی از آنان امروزه در تمام دنیا پراکنده اند ولی در دهه های اخیر میلیونها یهودی به سرزمین پدری خود مراجعت نموده در منطقه ای تنگ و پر جمعیت زندگی تازه ای را شروع نموده اند. باید باینان اظهار دارم که من بازگشت الیاس پیامبر هستم و مأموریتم اینست که قوم یهود را به اذن پروردگار متعال بسوی رستگاری هدایت و آنانرا از عقاید انحرافی که امروز گریبان گیرشان است نجات دهم. قوم یهود میبایست به دستورات و آموزه های من توجه کنند و از متابعت خاخامهای خود دست بردارند. امروز

یهودیان جنگی نابرابر با همسایگان خود یعنی اعراب منطقه براه انداخته اند. با وجود پیمان صلحی که اخیراً بین اسرائیل و بعضی از کشورهای عربی امضاء شد منطقه کلاً وضعیتی خطرناک و مشرف به انفجار دارد. اگر اوضاع جهان بدین منوال پیش رود بیشک جنگ خانمانسوز دیگری در عالم براه خواهد افتاد که میتواند به نابودی آنچه در دنیا و مافیهاست بیانجامد.

امت مسیحی نیز که بخشی از آن در انتظار ظهور الیاس بعنوان پیشقراول مسیح و مسطح کننده راه او هستند بدانند که امروز الیاس پیامبر بازگشت نموده و برای به صلاح کشانیدن آنان آستین بالا زده است. نهضت من بعد از اتمام مدت تعیین شده به نهضت‌های مهدی موعود و مسیحا متصل گردیده است. مهدی پاکسازی مسلمانان را بر عهده دارد و مسیحا نیز آن‌عه از دو جمعیت بزرگ یهودی و مسیحی را که ناسره تشخیص دهد بزور شمشیر به راه حق کشانیده یا تنبیه میکند. آیا مسیحیان که تصاویر و تمثال‌های عیسی مسیح را بعنوان فردی که بدن نیمه جانش بر صلیب قرار داده شده بمثابه خدا و خالق خود میپرستند از دین حق چیزی میدانند؟ آیا عقاید انحرافی که در کتب آنها از جمله در انجیل مشاهده میشود نیازی به دگرگونی و تحول ندارد؟ البته پاسخ به این پرسش مثبت است و بهمین دلیل است که خداوند منان امروز مرا برای رسیدگی به وضع نابسامان دینی و روحانی آیندو آیین بزرگ فرستاده است.

دنیای امروز و بخصوص کشور زادگاهم ایران که تحت حکومت ددمنشان عباپوش بوده دارای معضلات بیحد و حصر اجتماعی است. خداوند منان مرا برای رفع این مشکلات و به صلاح کشانیدن جوامع بشری و رهبران آنها بدینجا فرستاده است. مسائل اجتماعی از قبیل جنایت و دزدی، فساد و فحشا، و ده ها معضل دیگر نیاز به راه‌های دوراندیشانه و پیامبر مآبانه دارند. من دربخش بعدی به برخی از این معضلات پرداخته راه‌هایی را برای رفع و دفع آنها ارائه خواهم داد. آنچه مسلم است هر گاه در جوامع بشری پیامبری ظهور نموده است از میزان جرم و جنایت بشدت کاسته شده و بیشتر احاد جامعه درگیر عبادت و توبه و پی ریزی سعادت اخروی گردیده اند. امروز که من بعنوان امام در میان ملل جهان هستم میل دارم که همین طرح و طریق پیامبرانه را در پیش گیرم. این بدین علت است که نهضتی را که من رهبری میکنم پیگیر نهضت انبیاء بطور عام و محمد رسول الله بطور خاص میباشد. رسول اکرم در خوابی بمن این مأموریت را تفویض نمود و من امروز برای پیشبرد آئین روح بخش و انسان ساز اسلام بمیان شما آمده‌ام. نهضت من که بنا به تعبیر خاص آن نقطه شروع قیامت صغری ست میباید مورد استقبال و پیروی همه انانی قرار گیرد که درد دین را در دل داشته در انتظار ظهور امام زمان روزشماری میکنند. از طرفی نیز عزیزان

ادیان دیگر ابراهیمی که انتظار ظهور مسیحا را میکشند میباید به ما پیوسته و از آموزه هایی که من در اختیار میگذارم برای آماده سازی و به تعالی رسانیدن قلب و روح خود بهره جویند.

بدانید که ایزد منّان امروز درهای آسمانها را برای قبول توبه باز گذارده است. مبدا این فرصت را نادیده گرفته خود را در گناهان و لذات عالم مادی مغروق کنید چرا که بناگاه امامی موعود همانند دزد شب سر رسیده خواب شبانه شما را از هم میدرد. در آنزمان دیگر ره بجایی نخواهید داشت و توبه ای از شما پذیرفته نمیشود. بشتابید و به نهضت انسانی و انسانساز ما بپیوندید پیش از آنیکه ناقوس مرگ بصدا در آید و شما را از عزیزانتان برباید. خداوند معمولاً پس از سالها تنگی و نحسی همانند آنچه که در این چهل و اندی سال حکومت مخوف ملّایان رخ داده فراخی و گشایشی را پیش میآورد. بشارت این فراخی امروز بدست منست. پس مرا دریابید و از تشطّط و انحراف پرهیز کنید چرا که امروز من صدیقترین و دلسوزترین یار شما هستم. اگر تنها خواهان این جهان و مواهب آن هستید از ما فاصله گیرید چرا که در شما خیر و صلاحی نیست. اما اگر به خدای یگانه و آخرتی میانیشید که در انتظار هر بنی بشری است بما و نهضت ما متّصل شوید که امروز ریسمان الهی بدست منست. رجوع شود به قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۱۰۳:

و اعتصموا بحبل الله جميعاً و تفرّقوا

بخش دوم

معضلات امروز جامعه و بررسی آنها

حقوق بشر

جوامع امروز بشری در رابطه با حقوق بشر دچار یکنوع پریشانی و فقدان عظیم اند. امروز در بسیاری از جوامع حقوق بشر بکلی نادیده گرفته شده تمام اسباب سرمایه بدست گروههای معدودی ست که گاه بصورت سیاستمداران، ارباب ادیان، عمده سرمایه داران و صاحبان شرکتهای عظیم، و گاه نیز در غالبهای دیگر ظهور میکنند. اینان مواهب عالم هستی را که خداوند مَنّان برای استفاده بشریت بر روی زمین قرار داده است بنفع خود و یاران خود ثبت و ضبط نموده از اینکه خلقهای عالم از آن بهره برند ممانعت میکنند. یکی از اهداف نهضت ما اینست که دست این اصحاب سرمایه را که زورگویی مزور و بزدل بیش نیستند باز کرده امکانات سرمایه های هنگفت را از انحصار افراد انگشت شمار خارج کنیم. خلقهای عالم نباید در بیچیزی و فقر و فاقه سر کنند در حالیکه عده ای معدود شکمهای خود را انبان نموده با جتهای شخصی به اینسو و آنسو میروند. این نابرابری میباید به پایان برسد و ما برکندن آنرا پایه گذاری میکنیم.

دیگر از عوارض پایدالی حقوق بشر ظلم بیحدی ست که در عالم نسبت به مردمان بی گناه و اغلب بی دفاع روا داشته میشود. خلقهایی که حتی برای فرزندان خود مدرسه ای مستحکم ندارند و گاه در میان ترس و لرز جنگ و نابودی ساختمانهای فرسوده و یا فروریختن آنها بر سر فرزندانیشان آنها را بمدرسه میفرستند نیاز به توجه فوری و سریع دارند. مردمانی که نان شب ندارند و فرزندان و عزیزانشان تن به کارهای پست و گاه فحشا و تباهی میدهند در اولویت ما قرار دارند. خداوند تعالی رهبری را که به این گرسنگان و تیره بختان ترتیب اثر ندهد هرگز رستگار نمیکند و وی را در میان آتش جهنم قرار میدهد تا جوابگوی آه و ناله کسانی باشد که سالها و دهه ها در اقلیم او مورد ظلم قرار گرفته اند. ما برای عبرت سایرین از رهبران سرزمین مادری خود شروع میکنیم تا سرنوشتی را که برای بسیاری رقم زدند اینک گریبانگیر خود آنها گردد. خداوند تعالی که دارای صبری جزیل میباشد امروز بخاطر ظلم فاحشی که بدست این نامردمان صورت گرفته و برای جلوگیری از قلیان غضب و سخط خود که عالمی را میتواند در چشم بهم زدنی نابود کند ما را فرستاده تا به اوضاع

بخشی از عالم سر و سامان دهیم. من که از صاحب منصبان عالم بالا هستم امروز برای این امر مهم آستین بالا زده ام تا به این امر و خواستهٔ پروردگار هستی گردن گذارم. سرمایه داران و صاحبان زر و زور که امروز بیش از ۹۰ درصد سرمایه عالم را در چنگ خود دارند هرگز حاضر نخواهند بود که از سرمایه هایشان فاصله گرفته و زندگی موقرانه ای را مانند بسیاری دیگر در پیش گیرند. لذا ما برای این گروه از ظالمان اقتصادی که نبض عالم را بدست دارند پیامی داریم: شما که مواهب الهی را در دستهای آلوده و ناپاک خود گرفته و از باز کردن دستهایتان بشدت خودداری میکنید بدانید که میباید از موقعیتی که امروز بدست آمده یعنی ظهور و حضور ما در عالم بهره گرفته هرچه زودتر سرمایه هایتان را به نقاطی از عالم که فقر در آنها بيداد میکند انتقال داده آنرا در اختیار ایجاد شرایط بهینه برای زندگی مستمندان و بیچیزان قرار دهید. اگر چنین کردید که بسیار نیکو و ما شما را شناسایی کرده از شما تجلیلی بسزا بعمل خواهیم آورد. ولی اگر از این کار سر باز زدید اینرا بدانید که شمشیر امام زمان مهدی و یارانش شما را بزودی در میابد. اگر هم عجل بشما مهلت نداد مطمئن باشید که آتش سوزان جهنم در انتظارتان است.

دیگر از عوارض فقدان حقوق بشر در بعضی جوامع بشری رفتاری است که با مخالفین و معترضین صورت میگیرد. در کشور زادگاهم ایران امروز بیش از همیشه معترضین را بزور شمشیر و سرنیزه به سکوت وادار میکنند. خامنه ای جنایتکار که حساب خود را نزد خدای عالم بسته و تعطیل کرده است با غرور میگوید که دشمن را شکست داده اند. دشمن از دیدگاه این نامردمان همان ملت بی دفاعی است که با زور سرنیزه بر آن حکومت میکنند. ملتی که از ظلم و نابرابری به جان آمده و چندین بار بعنوان اعتراض به خیابانها ریختند، اما بجای رسیدگی به اعتراضشان با گلوله در مغز و قلبهایشان از آنها پذیرایی شد. تعداد زندانیان و اعدامیها در کشور بحدی ست که حتی صدای بعضی ارگانهای حقوق بشری را بلند کرده است. اینکه با ایرانیان چه رفتاری میشود بطور کلی در رسانه های عالم مسکوت گذاشته شده و تنها بطور جسته و گریخته به آن پرداخته میشود.

آیامیتوان در دنیایی که از مواهب بشری مانند اینترنت و تلفنهای اسمارت و ماهواره و غیره برخوردار است جنایاتی را که در روز روشن نسبت به مردمان بی گناه روا داشته میشود پنهان نگاه داشت؟ البته که خیر ولی این بیشرمان تلاش کردند با کمک رسانه های مزدور خودی و بیگانه و ایادی مفت خوار و لابی ها بر جنایات خود سرپوش گذارده یا وقیحانه از این اعمال شنیع دفاع کنند. ما این حرکات ظالمانه و جنایات ضد بشری را بر نمیتابیم و امروز برای برکندن ظلم و جور از کشور زادگاه و اقصا نقاط جهان برخاسته در پی ایجاد نظمی نوین در عالم هستیم.

فقر و بیچیزی

همانطور که در سطور بالا ذکر شد امروز بیشتر امکانات سرمایه در اختیار گروه معدودی از افراد است. این معضل باعث شده است که جمعیت بیشماری از مردم در فقر و فاقه بسر برند. اگر خواسته باشم سرزمین مادری خود را مثال زخم بخش عمده دارایی ملت بزرگ ایران در ظرف سالیان استقرار ملّیان به تاراج رفته و در میان جیبهای عریض و طویل این نامردمان که به بانکهای عالم نقب دارند قرار گرفته است. بسیاری از این سرمایه ها از طریق پول شویی از کشور خارج و در بانکهای بیگانه محفوظ گردیده است. سرمایه هایی نیز توسط فرزندان شریک جرم این منصب داران حکومتی از کشور خارج و در مواردی با آن شرکتیهای بزرگ سرمایه داری تأسیس گردیده است. سپاه پاسداران با یک سیستم و شبکه مافیایی که سالهاست با دستور مستقیم خامنه ای و یاران پلیدیکه در اطرافش هستند اموال ملتی را مضبوط و در کانالهای مختلف ریخته اند. این مجراها که شامل حمایت از تروریسم بین المللی و قاچاق اسلحه و مواد مخدر، قاچاق انسان، تأسیس هزاران شرکت صوری، رانت خواری، سیستم بورس و طرق دیگری که تنها به ذهن این دزدان بالفطره میرسد میگردیده اند. بیلیونها دلار نیز در بانکهای مختلف نهاده شده است تا این شیاطین بتوانند از کینه دیرینه ای که نسبت به شاه فقید و اعوان و انصارش داشته و دارند عقده گشایی کنند. فقر بخش بزرگی از ملت ایران بحدیست که حتی امرای عرب نیز به طعنه میگویند که حکومت ایران بجای ایراد گیری از عملکرد دیگران بهتر است به وضع کوله بران و زباله گردهای کشور خود برسد. واقعا این درد را به چه کسی توان گفت که امرایی که در دوران شاه فقید دست به سینه در مقابل وی میایستادند امروز به این درجه از وقاحت رسیده اند که کشوری را که روزی گل سر سبد خاور میانه بود دیگر در نظرشان تحفه قابلی نیست. ما این معادله را بهم خواهیم زد و کاری میکنیم که جایگاه و مقام ایران دوباره در اذهان و انظار زنده شود. صدای ما از محلی بر میخیزد که موضع حق بوده پایگاهش در عالم قدس است.

فساد

امروز فساد در عالم جنبه ها و ابعاد تازه ای پیدا کرده است. از فحشا و همجنس گرایی گرفته تا قاچاق انسان و مواد مخدر و روانگردان فساد بحدی رواج دارد که برای برکندن آن میباید فوراً اقدام کرد. ما بنا داریم که با این مظاهر و عوارض کفر و نیستی مبارزه کنیم و محو آنرا رقم زنیم. بدون شک برای رفع و دفع کامل این جنبه های فساد میباید به زور شمشیر متوسل شد که متعاقباً در دست یار و فرزندان مهدی صاحب الزمان خواهد بود. خدای عالم امروز بمن این نیابت را بخشیده است که برای رسانیدن بخشی از عالم که تحت رهبری من خواهد بود به اوج پیشرفت و تعالی اقدامی مردانه صورت دهم. قدرت لایزال الهی

و حمایت فرشتگان مرا در این مسیر صعب و ناهموار حمایت میکند. گسترش فساد بحدیست که اگر بخواهید فرزندان خردسال خود را در برابر صفحه تلویزیون قرار دهید میباید این نگرانی را داشته باشید که مبادا بعثت تغییر کانال به صحنه ها و تصاویری که دیدن آن برای کودکان مناسب نیست بر خورند. چرا میباید دنیای ما به این حد از تباهی رسیده باشد؟ مگر پیامبران عالیقدر برای کشاندن بشر به صلاح و راستی و درستی مبعوث نشدند. مگر پیامبر عالممرتبه محمد برای تنظیم اخلاق و اعتلای انسانیت بمیان ما نیامد. پس چرا امروز تقریباً همه آموزه های حیاتبخش این بزرگان به بوته فراموشی سپرده شده و بشر در میان نجاست و فساد دست و پا میزند؟ آری این معضل بزرگ را ما بکمک یاران و همراهان همدل بر طرف خواهیم نمود و جوامعی را برپا میکنیم که درخور نام انسان باشند.

اعتیاد

این معضل خانمان برانداز امروز بیش از همیشه گریبانگیر سرزمینمان ایران گردیده است. بخش عمده ای از این معضل بخاطر سودجویی ملایان و اعضای گروههای مافیایی ست که بکمک سپاه پاسداران حکومتی و نیز بخشهایی از حکومت افغانستان و حکومتهای دیگر حاشیه ای شکل گرفته است. ملایان برای به اعتیاد کشاندن جوانان و اقشار دیگر جامعه حربه های مختلفی را در طی سالیان بکار برده اند. فقر و فاقه که امروز بیداد میکند، بیکاری، فشارهای زندگی، و هزاران معضل دیگر که ساخته و پرداخته دست ملایان میباشد همه به رشد اعتیاد در کشور کمک کرده اند. ما برای حل این معضل ضمن روشهای دیگر از وجود گروههای نامرئی در جامعه استفاده خواهیم کرد. اینان که چشم و گوش ما هستند وظیفه دارند که هرگونه تبادل مواد مخدر را ردگیری و دست در دست پلیس برای ریشه کنی این معضل اقدام کنند.

جنایت و دزدی

در عالمی که ما در آن زندگی میکنیم ارزش جان انسان بقدری نازل است که بسرعت برق و باد انسانی را در پیش چشم عزیزانش از بین میبرند و در سیاهی شب متواری میشوند. کسی را یارای اینکه بپرسد چرا و به چه جرمی نیست. آنچه که برای گروههایی از انسانها که با جنایت و تبهکاری راه خود را پیش میبرند مهم است قیمت و ارزش مادی کاری ست که صورت میدهند. اگر قیمت درست باشد میتوانند جان هر انسانی را از او سلب کنند. آری جنایت و دزدی در هر عصری رواج داشته است ولی در عصر ما این پدیده ابعاد گسترده ای پیدا کرده و باعث شده است که جان بشر جزو کم ارزشترین تحفه ها باشد. اینکه میبینیم که

در کشوری که نامش بزرگ ولی حکومتش سخیف و کم دان است هواپیمای مسافربری را با موشک معدوم میکنند و بدون اظهار ذرّه ای ندامت و تأسّف تنها به این بسنده میکنند که بگویند اشتباه انسانی صورت گرفته است دردی سترگ است. برای رفع این مشکل و معضل تنها تغییر حکومت کافی نیست. مسبّبین تلخی و نحسی این دوران سیاه میباید در محکمه وجدان ملی محاکمه و به سزای اعمال خود برسند. چگونه میتوان به جانهای از دست رفته و این نفسهای در سینه پژمرده بی اعتنا بود؟ اینان میتوانند عزیزان من و شما باشند که با فشار ماشه ای دود شدند و به آسمان رفتند. آیا نباید کسی بخاطر این جنایت و جنایت های مشابه اینها جوابگو باشد؟ ما هر یک از دست اندرکاران این جنایت و جنایات دیگری را که در طی این چهل و اندی سال در کمال خونسردی انجام گرفته اند پاسخگو خواهیم نمود. آنهایی را که خاطی و گناهکار تشخیص داده شوند بدست مجازات سپرده خواهند شد. دزدی هم امری است که در ایران عزیز آمار و ارقامی بی سابقه پیدا کرده و ایران را تقریباً به یک منطقه بزرگ غارتگری و راهزنی تبدیل نموده است.

مردم ایران از اینکه جان و مالشان دائماً در معرض تعرض باشد دیگر بجان آمده اند و شک نیست که آه آنها حتّی ساکنین عالم قدس و کُروبیان را نیز متأثر ساخته و غضب خدای متعال را برانگیخته است. من برای احقاق حق از این خلق مظلوم و نیز از مظلومین نقاط دیگر جهان به این عالم فرستاده شده ام و حکم مأموریت و رسالت مرا رسول الله در طی خوابی روشنگر بمن تفویض نموده است. رسول خدامحمد که از لطف بیحدّ خداوند منّان بهره مند است برای اینکه مرا در این راه ثابت قدم سازد دو بار در شب های متفاوت به خواب من آمده است. این امر که به خواسته و به فرمان پروردگار صورت گرفته مرا مجاب ساخته که این مأموریت امری جدّی و بدون امکان عدول است. بار اوّلی که رسول الله به خواب من آمد ایشان در همان هیئتی که همیشه از او انتظار میروید ظاهر شده و به من شیئی را که بشکل گوی بود تقدیم کرد. این شیء بطوریکه بعداً توسّط روح القدس برای من توضیح داده شد نمادی از رهبری الهی ست که من از دست رسول الله دریافت داشتم. بار دومی که رسول الله به خواب من آمد بر سر میزی نشسته و قلم پرداز و دوات در مقابل او بود. سپس شروع به نوشتن نموده بطوریکه بعداً برای من مکشوف شد این حکمی بود که از جانب پروردگار عالم بمن عطا شد که مأموریت الهی من در آن مستتر است. مضمون این حکم را درجای دیگر آورده ام که میتوانید مطالعه کنید.

محیط زیست

اینکه به محیط زیست اولویّت میدهیم بخاطر اینست که جهانی که در آن زیست میکنیم ودیعه ایست الهی که محافظت از آن برای تک تک ما ضروری و حائز اهمیّتی بسزااست. ما

نمیتوانیم نسبت به محیط زیست بی تفاوت باشیم زیرا مواهبی که در زمین قرار داده شده اند از جمله منابع زیرزمینی شامل منابع سوختی و فلزات متنوع و نیز منابع دریایی و گیاهی و جانوری که حلقه حیات بر روی زمین وابسته بآن است میباید مورد توجه و حمایت قرار گیرند. اینکه در کشوری چون ایران منابع متنوع محیط زیست که متعلق به مردم این کشور اند روزانه مورد دزدی و غارت قرار میگیرند بهیچوجه قابل تحمل نیست و میباید بسرعت جلوی این خیانت آشکار گرفته شود. فردیکه مدتهاست بعنوان وزیر محیط زیست منصوب شده زنی جنایتکار و کافرکیش است که سالها پیش بر فراز دیوار سفارت آمریکا بیرق خرچنگ گون حکومت خمینی را حرکت میداد. وی امروز با نظارت خود درب را بر روی دزدان و غارتگران با فراخی کامل باز گذارده تا هر آنچه هست و نیست بتاراج برند. قرارداد ننگین با کشور سود جوی چین کمونیست یک نمونه از شگردهای این حکومت خیانتکار و آب به آسیاب اندازانش از جمله این بانوی بیشرم و بی لیاقت است. آیا واقعا میبایست تمام امکانات زیرزمینی، زمینی و دریایی کشور غنی ایران در اختیار این دزدان و راهزنان حرفه ای قرار گیرد؟ ما بسرعت جلوی این تاراج آشکار را میگیریم و با خاطیان بطوریکه شایسته وضعیت خائنانه آنهاست برخورد خواهیم کرد.

وزارت بهداری

چه کسانی ویروس کرونا را برای ایران بارمغان آوردند؟ آیا نقش وزارت بهداری در این میان چه بوده است؟ چرا ویروس کرونا به سرعت سیر صعودی پیمود تا جائیکه ایران گوی سبقت را حتی از کشور زادگاه این ویروس یعنی چین نیز ربود؟ وزیر سخیف بهداری و معاونین وی در این امر میباید پاسخگو باشند. چرا دست بسیجیان و طلبه های جوان باز گذاشته شد تا ویروس را با خود به بیمارستانها و در میان بیماران برند؟ چرا وزیر بهداری زمانیکه آخوندها اصرار بر ادامه بازگشایی مساجد و برگزاری مراسم جمعی مذهبی داشتند وی کماکان بر سر کار خود باقی ماند؟ کمترین کاری که میتوانست بکند این بود که استعفای خود را ارائه دهد. چرا اجازه دادند که میلیونها فقره ماسک و وسایل طبی و داروهای مورد نیاز به تاراج رود؟ اینها نمونه سؤالاتی است که این کافرکیشان میباید بدان پاسخ دهند. اگر در پاسخ درمانند شک نداشته باشند که به مجازات خواهند رسید.

وزارت بهداری این سازمان مخوف که با سپاه پاسداران از طرفی و با آخوندهای بی مقدار از طرف دیگر دست در دست دارد، چگونه میتواند برای درمان بیماران یا پیشبرد امر بهداشت در مملکت سودمند واقع شود. اگر وزارت بهداری دارای وزیری بود که فهم و دانشی میداشت هرگز ویروس کرونا به این حد از گسترش نمیرسید. وزیری که حتی پزشک

نیست و الفبای بهداشت و درمان را نمیداند به چه جرأتی خود را در سمت وزیر بهداشتی قرار داده است. اگر هم مدرک پزشکی را بیدک میکشید باز هم باید در اصل آن شک کرد زیرا یک پزشک شرافتمند هرگز حاضر به همکاری با مشتکی آخوند بی مصرف نمیگردد. وزیران و معاونین بهداشت کشور آخوند زده و در مسیر نابودی قرار گرفته ایران موجب شرم و خجالت ملت بزرگ ایرانند. کشوری که روزی دانشکده های پزشکی با کیفیت جهانی را ایجاد و بهترین استاداها را از سرتاسر دنیا برای اعتلای سطح دانش به مملکت ما میآورد. در آندوران چیزی به اسم سهمیه بسیج یا پاسدار یا سهمیه فرزندان هیئت علمی وجود نداشت. هر دانشجویی که به دانشگاه راه پیدا میکرد میتوان گفت واقعا سزاوار پذیرش بود. در دوران شاه فقید همچنین پدیده ای به اسم پزشکی اسلامی وجود نداشت. چگونه میتوان باور کرد که آخوندها در حکومت ملایان داعیه طبابت داشته معجون های عجیب و غریب را از لابلاي کتابهای خاک خورده فیضیه بیرون کشیده آنها را بعنوان درمان قطعی بیماریهای از جمله کرونا معرفی میکردند. اینها برای کشور بزرگ و شکوهمند ایران چه خطی را ترسیم میکردند؟ تنها میتوان گفت که ایران در چنگال اشغالگرانی از سلک آتیلا و چنگیز قرار داشت. من به همان اندازه که فردی رحیم و مهربان هستم، وقتیکه با افرادی از قبیل آنچه در بالا ذکر شد روبرو باشم عقیده مند به قاطعیتی پیامبرگونه و بر هم زدن این معادله ولو با توسل به زور هستم. از هوادارانم خواسته ام تا در روز موعود بر علیه سران و عناصر این حکومت دست به جهاد زده ایران را از یوغ استثمار ملایان بیرون آورند.

حمل و نقل هوایی

چرا زمانی که صحبت از احتمال جنگ بین ایران و آمریکا مطرح شد و تهدید موشک پرانی وجود داشت مرزهای هوایی کماکان باز گذاشته شدند؟ حقیقتاً مسئول خونهای ریخته شده هواپیمای مسافربری که مورد اصابت موشک پاسداران قرار گرفت چه کسانی هستند؟ هواپیمای مسافربری که مسافرانش شامل تعدادی از نخبگان مملکتی و تعداد کمی تبعات خارجی بودند با چه نیت و انگیزه ای هدف موشک قرار گرفت؟ آیا خامنه ای و نوکران کنار دستش برای انتقام از قتل قاسم سلیمانی دست به این جنایت زدند؟ چنین چیزی از ذات پلید و روح سیاه این جانیان بعید بنظر نمیرسد. بهر حال من نسبت به صحت آنچه میگویم از طریق الهام با خبر هستم و خواننده آگاه و فرهیخته بخوبی درمیابد که عین حقیقت است. در ارتباط با هواپیمایی ماهان نیز میباید کلمه ای چند ذکر نمود. چرا به هواپیمای ماهان اجازه پروازهای متعدد به کشور چین داده شد با دانستن اینکه چین موضع و خاستگاه کرونا بود. تقریباً همه کشورهای عالم مرزهای خود را بر هواپیماهایی از مقصد چین و بسوی آن بسته بودند. تنها هواپیمایی ماهان بود که به این پروازها ادامه داده جان بسیاری

را در معرض خطر قرار داد. رئیس‌ان سخیف شرکت حمل و نقل هوایی میباید در این باره پاسخگو باشند. هواپیمایی ماهان که جزو شاهکارهای سردار سازندگی رفسنجانی ست از همان ابتدا در اختیار اهداف پلید جمهوری ملّیان قرار داشته است. در بحبوحهٔ تکثیر ویروس کرونا بود که حکومت خلق چین وظیفه ای را به سپاه پاسداران القاء نمود. آن عبارت از اینبود که برای نابودی بخشی از ملت ایران مسافران آلوده به ویروس را با هواپیما به ایران و به میان حوزهٔ علمیهٔ قم بیاورند. حوزویان نیز که از کودنترین اقشار مملکت میباشند از این توطئه بی خبر بوده و زمانی خبردار شدند که کار از کار گذشته بود. ویروس کرونا بمیان ایرانیان از هر قشر آمد و رژیم ناکارآمد برای برکندن این معضل هیچ کاری را صورت نداد. برعکس برای اشائهٔ هر چه بیشتر ویروس در میان مردم نه تنها از اجتماعات جلوگیری نشد بلکه تا مدتها حتی از ضرورت استفاده از ماسک و وسایل ایمنی نیز سخنی نرفت. هر گاه قشر عظیمی از ملت گرفتار ویروس شدند ماسکهای بی کیفیت را از چین وارد کردند ولی بمحض ورود به مملکت محمولهٔ ماسکها در اختیار سپاه پاسداران و ایادی حکومتی قرار گرفت تا مبدا مردم از آن سهمی برند. ممکن است برخی این امر را بعید دانند که حکومتی برای ورود ویروس به کشورش و مبتلا گردانیدن قشر عظیمی از ملت خود راه را هموار سازد. اما افرادی که بههستهٔ مرکزی این رژیم نزدیک هستند قطعاً میدانند که چنین امری ابداً بعید نیست بخصوص اگر از چین وعده هایی نیز اعم از مادی یا امتیازات سیاسی دریافت کرده باشند.

سپاه پاسداران، این جنایت کار مافیایی و هشت پای مخوف نه تنها ماسک را با قیمت رایج بازار در اختیار عموم نگذاشت بلکه با ترفندهای گوناگون محموله های ماسک را احتکار نمود تا از این امر نیز برای پر کردن جیبهای خود استفاده کند. آیا سران سپاه برای این جنایت آشکار پاسخی دراختیار دارند؟ منتظر خواهیم بود تا پاسخ خود را در محضر ملت ارائه دهند.

سپاه پاسداران

رهبری سپاه پاسداران با فردی استکه نام او با وحشت و ترور عجین است. او زیر نظر مستقیم رهبری یعنی خامنه ای و فرزند بزرگش مجتبی خامنه ای انجام وظیفه میکند. این سیستم مخوف مافیایی که در دنیا بی سابقه است روشهای پلیسی را از چین و روسیه آموخته و آنرا در کشور ایران به اجرا گذاشته است. سپاه پاسداران و شاخهٔ خارجی آن یعنی سپاه قدس هر دو بعنوان سازمانهای تروریستی شناخته شده اند و کارنامه عملکرد آنها در طی سالیان دراز خود گویای جنایات بیشمار استکه این سازمان مسئول آن بوده

است. گذشته از سابقه جنایت و سرکوب اعتراضهای داخلی، این سازمان در دزدی و قاچاق نیز ید طولایی دارد. رهبر و سران این سازمان در لیست افرادی قرار دارند که میبایست در محکمه وجدان ملی محاکمه شوند. اعضای سپاه پاسداران یا بهتر بگوییم سپاه نوکران و چاکران خمینی و جانشین سیاهکارش خامنه ای برای اینکه بتوانند در ایران آینده در پیشگاه ملت شریف سر بلند کنند میباید چند کار انجام شود. اول اینکه رئیسان سپاه میباید مکافات مقتضی را پس دهند و بخاطر آنچه در ظرف این چهل و اندی سال بر این ملت روا داشته اند در دادگاهی علنی محاکمه و در صورت محکومیت به سزای اعمالشان برسند. دوم اینکه عناصری از سپاه که بار گناهشان سبک است و میتوانند برای کشور سودمند واقع شوند جذب ارتش ملی اقلیم ما شوند. بالاخره اینکه وسایل مربوط به سپاه پاسداران که شامل لباس و آرم تهوع آور و بیرق و نیز فیلمها و تصویرهایی که مناسب وجود در موزه سیاهکاری و جنایات جمهوری ملّیان است در مکانی که به این منظور اختصاص داده خواهد شد به نمایش گذاشته شوند. این برای پایان دادن به کار سپاه توصیه منست.

بسیج

بسیج نیز بعنوان شاخه ای از سپاه پاسداران از اعضای تشکیل شده است که خمینی ملعون برای حفظ ارکان حکومت استبدادی خود بخدمت گرفت و امروز نیز بساط ظلم و جور خامنه ای را برپا نگهداشته و میدارند. اینان معمولاً از اقشار کم بضاعت جامعه نفرگیری میشوند و به آنها مطالبی را بطور مستمر و روزمره القاء میکنند تا جائیکه شست و شوی مغزی کامل صورت گرفته باصطلاح ذوب در ولایت خامنه ای شوند. به این گروههای غالباً کم سواد و دارای ضریب هوشی پایین امکان ورود به دانشگاه را بعنوان یک مزیت قائل شده تعداد بیشماری از آنها را بدون نیاز به کنکور در دانشگاه ها وارد نموده گاهاً نمره قبولی و حتی مدارک بالایی تحصیلی را بدون هیچ مطالبه ای به آنها میداده اند. ما این دستگاه ظلم و جور و جنایت را برهم میزنیم و رهبران آنها را به سزای اعمال خود میرسانیم تا بدانند که خداوند منّان اگر اراده فرماید شبانه در میان گله گرگان سیمرغی را قرار میدهد تا آنها را با سرپنجه عدالت معدوم و طعمه کرکسان گرسنه نماید.

صدا و سیما

این مؤسسه که راه را برای جنایت و دزدی و تاراج غنیمتهای ملی، فرهنگی و هنری باز گذارده و به این اعمال جنبه موجه میداده صدا و سیما یا بهترین بگویم سیما و صدای زشت و کریه جمهوری ملّیان است. سران این سازمان مخوف میباید بخاطر جنایات این حکومت

و سیاستهای خیانت مآبانه ای که در ظرف این چهل و اندی سال در پیش گرفته اند پاسخگو باشند. در این سالیان صدا که هیچ بلکه فریاد مردم بی گناه و بی صلاح وطن به گوش کسی رسانیده نشد. این وظیفه و مسئولیت کدام مؤسسه بود که این صدا را به گوش مردم داخل و خارج برساند؟ اگر سرسوزنی از این خرجهای میلیاردي که برای آموزش کارمندان این مؤسسه و خریداری تجهیزات صرف گردید در راستای منافع این ملت مصروف میگردید امروز خشم و خروش ملتی خشمگین و ناراضی بر سر این سازمان فرو نمیريخت. آیا نمیباید رئیسان خلاف کار و جانی این سازمان به میز محاکمه کشیده شوند؟ یا شاید بهتر باشد از آنها در پشت همان تریبونی که در گذشته به امثال سردار نقدي و گیلانی سپرده اند بازخواست شود تا همه پیدایش عرق سرد را بر جبین آنها مشاهده کنند.

منکرات

در این بخش میخواهم به اصولی اشاره کنم که در کشور آخوند زده حکومت ملایان بزرگنمایی میگردید بطوریکه تمامی انرژی و وقت گروههای بزرگی از مزدوران حکومتی را در اختیار میگرفت. از جمله آنچه بعنوان منکرات میتوان از آنها یاد کرد بی حجابی یا بدحجابی، مصرف مشروبات الکلی، قمار، رابطه دختر و پسر، استفاده از مواد مخدر را شامل میشود. هر چند ما در بالا به بخشهایی از این مبحث اشاره کردیم در اینجا تصویر کاملتری از آنچه را بعنوان معضل میدانیم ترسیم میکنیم. جامعه ای که در آن بجای نیروهای پاکدل و نیک سیرت گروههای لایابالی و متعصبین مذهبی حاکم شوند قطعاً همه معادلات جامعه از حالت عادی و سالم خارج گردیده سر به قهقرا میگذارد. ایران پیشین در تحت رهبری ملایان دقیقاً چنین وضعیتی داشت. هیچ روزی سپری نمیشد مگر اینکه زنی جوان در خیابان دچار مزاحمت نمیشد یا زن و مردی که با هم راه میرفتند مورد تفتیش و بازپرسی قرار نمیگرفتند. ما به مردم وطن این اطمینان را میدهیم که حکومت شهریار ولی بهیچوجه در امور شخصی مردم دخالت نمیکند تا جائیکه سلامت جامعه بخطر نیفتد. آنچه را ما بعنوان منکرات شناسایی میکنیم بیش از آنچه در بالا ذکر شد ایجاد مزاحمت و مردم آزاری نسبت به آحاد جامعه است. اگر آخوند این مطلب را میفهمید با مردم شریف و باحیای جامعه ایران چنین نمیکرد. حال که ما سگان حکومت را بدست میگیریم آخوند را از موقعیت پیشین عزل نموده کاری میکنیم که اگر علاقمند به زیستن در کشور ایران اهورایی ست جامعه سخیف آخوندی را بدور انداخته آستین بالا زند و کاری را در پیش گیرد تا بلکه بتواند شرافت از دست رفته خود را باز گرداند.

بخش سوم

برابری زن و مرد

امروز در دنیای مدرن دیگر جایی برای قوانین قرون وسطایی که در کتب دینی و آسمانی تنها برای اعصار گذشته مورد استفاده داشته اند وجود ندارد. آری پاره ای از آیات کتاب آسمانی ما مسلمین یعنی قرآن کریم برای تمام اعصار مورد نظر بوده است. ولی آیاتی نیز تنها با نظر به شرایط خاص زمان و مکان به قلب مبارک پیامبر اکرم نازل شده اند. ما نمیتوانیم این چنین آیاتی را که عموماً برای قانونگذاری در جامعه مسلمین آن دوران و بخصوص اعراب بادیه نشین نازل شده اند به جامعه پیشرفته امروز تعمیم دهیم. هر کس خلاف این بگوید یا کافر است و یا در قعر نادانی است. اگر چنین فردی مسلمان و از رهبران دینی ست میباید بداند که امروز در حضور ما دیگر رهبر دینی معنایی ندارد. توصیه میکنم بساط خود را جمع کند و به حرفه ای شرافتمند بپردازد. اگر هم اصرار بر این دارد که در کار دین انجام وظیفه کند میباید در مسیر ما بوده و تأیید ما را داشته باشد. در غیر اینصورت با وی برخورد قانونی خواهد شد. زن و مرد هر دو مانند دو بال یک پرنده مرغ عشق را بسوی منزلگاه خود میرسانند. این منزلگاه همان عالم قدس است که مبدأ و مقصد همه ماست. اگر زن و مردی جز با عشق با هم وصلت کرده باشند باز هم شرایط قانونی مساوی در بین آنها حکمفرماست. مردان در نظر قانون سر سوزنی بر زنان تفّوق و برتری ندارند.

زن و مردی که با هم پیمان زناشویی میکنند این تعهد را نیز پایبندی میکنند که باید نسبت بهم وفادار باشند. در حکومت جمهوری ملّیان که زنها بخاطر فقر و بیچیزی تن به کارهای شنیع و ناروا میدهند دیگر چه جایی برای تعهد زناشویی باقی میماند؟ زناشویی زمانی ارزنده است که زن نگاهش را از نامحرمبازدارد همانطور که مرد نیز میباید از نگریستن به نامحرم با نیت ناروای قلبی بپرهیزد. زن و مرد هر دو نسبت به پاک و مصفاً نگهداشتن حریم زناشویی مسئولیت دارند و مسئولیت یکی بیشتر یا سنگین تر از دیگری نیست.

ارثیه

دختر و پسر و زن و مرد در ارث هیچ تفاوتی با هم ندارند. اگر ارثی وجود دارد میباید بتساوی بین فرزندان تقسیم شود. ولی هر گاه پدر یا مادری در تقسیم ارث بین فرزندان

تفاوت بگذارند بر آنها حرجی نیست تا جائیکه ظلمی روا داشته نشود. فرزندی که از پدر یا مادر ارث میبرد اگر صغیر است یعنی به سن قانونی نرسیده میباید دارای کفیل باشد. اگر چنانچه کفیل ندارد دادگاه میباید برای او کفیل تعیین کند. شرایط دیگری که در اطراف ارث و میراث وجود دارد میباید بتوسط قانون و مراجع قانونی حل و فصل شود.

در موضوع و مبحث ارث این محاکم قضایی هستند که میباید حرف آخر را بزنند. من در این مختصر صرفاً به آنچیزی اشاره کرده ام که بیش از همه مورد چالش بوده است.

مسابقات ورزشی

آیا این شرم آور نیست که در عصر و دوران حاضر حکومتی بخود اجازه دهد که ورود زنان و دختران را به ورزشگاهی که در آن مردان به مصاف هم میروند ممنوع کند؟ اینکه زنی یا دختری میل داشته باشد تماشاچی ورزش باشد چرا به پر قبای حضرات ملّایان بر میخورد که آنرا ممنوع میکنند؟ اگر دهانهای کثیف خود را بگشایند تا بما جوابی بدهند مطمئن باشند که از جایی که تصوّرش را ندارند صدمه میخورند. زنان میباید این حق را داشته باشند که همپای مردان در هر ورزشی که در آن علاقه و استعداد دارند شرکت و به رقابت بپردازند. اینکه ما زنی را ملزم به رعایت لباس یا سرپوش خاصی کنیم ممکن است ویرا از رقابت در ورزشی که بدان علاقه دارد باز داشته جامعه را نیز از رتبه و افتخاری که او میتواند کسب کند محروم نماید. آری ورزشهایی هستند که بهتر است زنان و دختران نجیب و با شرم ایرانی (یا زنان جوامع دیگر اقلیم ما) از اینکه با لباس رایج در آن ظاهر شوند پرهیز کنند. از آن جمله اند ورزشهایی چون پاتیناژ و ژیمناستیک و شنا، یا حتی تنیس و والیبال که مرسوم است با لباسهای باز و بدن نما در آنها شرکت جست. بغیر از مواردی که ذکر شد من محدودیتی برای زنان یا دختران ایرانی برای شرکت در ورزشها و مسابقات ورزشی نمیبینم. چارهٔ معضلی هم که ذکر شد اینست که زنان جوامع شرقی اعتراض خود را به رؤسای این فدراسیونها اظهار داشته و برای شرکت در این نوع مسابقات با لباس مناسب فرهنگ شرقی کسب مجوّز کنند. اگر من بتوانم از نفوذ خود برای کسب این مجوّز استفاده کنم البته دریغی نخواهم داشت.

زنان قاضی

اصولاً پروردگار عالم در حکمت آفرینش بانوان را دارای شرایطی از نظر روحی و جسمی نمود که وضعیت آنها برای هر حرفه ای ایده آل نیست. این بدین معنی نیست که از ورود آنها به این حرفه ها جلوگیری بشود. ابداً، ولی اینرا باید بدانند که در جایی قدم میگذارند که برای آنها زمین ناآشنا و ناهموار است و اگر بلغزند و بیفتند نباید کسی را جز خود مسئول و مقصر دانند. پس توصیه میکنم که از ابتدا راه خود را طوری تعیین و مشخص کنند که بعدها دچار پیشیمانی و حسرت نشوند. قضاوت امری بسیار خطیر و حامل مسئولیتی سنگین است. مردانی که در این حرفه قرار میگیرند میباید ابتدا تحصلات حقوق را با تمام رسانیده سپس برای آموزش قاضی گری دوره تحصیلی جداگانه ای را بگذرانند. اینکه در حکومت جمهوری ملایان افرادی بعنوان قاضی استخدام میشدند که از هیچگونه سابقه تحصیلی برخوردار نبوده ولی در عوض سابقه جنایی طولانی و پررنگی داشته اند قطعاً در آینده ایران جایی نخواهد داشت. در ایران برهبری من امر قضاوت به افرادی سپرده میشود که واقعاً لایق این عنوان بوده خلق ایرانی بخصوص در صورت بیگناه بودن از ایستادن در برابر میز این قاضیان ترس و واهمه ای نداشته باشند. اگر یک قاضی که در حکومت شهریار ولی مشغول کار است دارای شکایتهای متعدد باشد بدون شک بر سر کار نخواهد ماند مگر اینکه تک تک شکایتها ناروا باشند که امکان آن نیز بعید است. قاضیانی که جمهوری سیاهکار ملایان بر سر کار میگذاشت قاضی نبودند. در واقع اینان خائنینی بودند که نام انسان نیز بر آنها نمیتوان گذارد. قاضی عنوان شریفی است و اطلاق آن به این جانیان به همان اندازه غلط و نادرست است که اطلاق لفظ شاهکار هنری به فضله ای که فیلی در سیرک تولید میکند.

رهبری دینی

در دستگاه خلقت زنان را از جنس لطیف ساخته و پرداخته اند و از آنها نمیتوان انتظار داشت که نقش یک رهبر دینی را بر عهده گیرند. آموزش دین برای زنان بسیار مفید بلکه ضروری ست ولی مسیری که به رهبری دینی میانجامد برای آنها مسدود است زیرا این تقریباً تنها جایی ست که پروردگار عالم برای زنان محدودیت ساختاری قرار داده است. در هیچ برهه ای از تاریخ بشر زن پیامبر یا امامی نداشته ایم و تا روز قیامت نیز چنین امری رخ نخواهد داد. این نه بعلت عدم توانایی بلکه بدلیل مصلحتی است که پروردگار منان برای بشریت تعیین نموده اند و این جایگاه قابل تغییر و تبدیل نیست.

رهبری دینی در حکومت شهریار ولی با شخص من است. ما افرادی را اعم از مرد و زن آموزش می‌دهیم تا مردمان را از گناه بازداشته به راه خیر و صواب سوق دهند. اینان نه رهبر بلکه راهنما خواهند بود و ترجیح بر این است که از خانواده‌هایی برگزیده شوند که در آنها سابقه غلیظ دینی بخصوص اقوام نزدیک از سلک آخوند یا معمم وجود نداشته باشد.

ازدواج و طلاق

ابتدا به امر خجسته و مقدس ازدواج بپردازیم. اگر مرد و زنی یا دختر و پسری که بسنّ قانونی رسیده اند میل دارند که با هم ازدواج کنند میباید بدون وقفه مقدمات اینکار فراهم شود. سنّ قانونی در بیشتر جوامع برای دختر و پسر ۱۸ سال است. در جامعه ای که تحت رهبری من قرار میگیرد از همین ملاک جهانی میباید استفاده شود.

موضوع مهریه که میتواند شرطی پسندیده و منطقی باشد بعدی در بعضی از جوامع لوث شده است که اگر گزینه بهتری موجود بود بسرعت مهریه را از حیث انتفاع ساقط میکردیم. مهریه که بمنزله یکنوع پشتوانه برای دختر یا زن است میبایست یک مبلغ متعادل و معقول در جامعه باشد. مبلغی که برای زنی که بناگاه درگیر طلاق میشود بتواند تا حدودی کارساز بوده ویرا از لغزش به پرتگاهها در امان دارد. ولی مهمتر از مهریه برای یک زن اینستکه در جامعه حرفه ای صالح و شرافتمند در پیش گیرد که اگر خدای ناخواسته در معرض طلاق قرار گرفت بتواند زندگی خود را رفع و رجوع کند. اگر هم فرزندی در بین است دادگاه میباید برای رفاه حال فرزند و تضمین آن وارد عمل شود و به تشخیص دادگاه یکی از طرفین قرارداد طلاق ملزم به تأمین مبالغی معین برای نگهداری فرزند یا فرزندان گردد. اینکه نگهداری فرزند بعهد مادر باشد یا پدر میباید با توجه به شرایط هر خانواده توسط دادگاه خانواده تعیین و مقرر شود.

موضوع مهریه در جوامع انسانی بخصوص در جوامعی که رنگ و لعاب اسلامی دارند نباید باعث شود که دختر و پسری که همدیگر را دوست دارند از امر ازدواج که امری مقدس است منصرف گردند. من از دولتهای تحت سلطه میخوام که شرایطی را قرار دهند که دختران و پسران بتوانند با سهولت بیشتری به ازدواج همدیگر درآیند. خانواده های ایرانی که گاهی در سخت گیری راه افراط طی میکنند میباید اگر در خواستگار دختر خود شخصیت انسانی و گیرایی مشاهده میکنند از موافقت با ازدواج ابایی نداشته باشند. در جامعه و جوامع شرقی که ایران عزیز نیز جزو آنهاست تحقیقات محلی از شرایط خواستگار کاری ست شدنی و من آنرا برای خانواده ای که از جانب دختر دم بخت خود نگرانی دارند قویاً توصیه

میکنم. یکی از نقاط قدرت و برتری جامعه کشورم ایران و جوامع شرقی دیگر که فرهنگی مشابه را دنبال میکنند همین شرم و حیا و نجابت دختران است. من بنا دارم که این موضوع را بلطف خداوند منان دوباره رایج سازم بطوریکه ایرانیان از زندگی و شرایط زیست خود و خانواده های خود لذت برده دوران سیاه پیشین را که آخوندها باعث و بانی آن بودند بعنوان رؤیایی تلخ و وحشتناک به بوته فراموشی سپارند.

ازدواج موقت - ایران بخاطر وجود مزار امام هشتم در مشهد مقدس همه ساله زیارتگاه شیعیان بسیاریست. این گروهها که از کشورهای مختلف اسلامی به مشهد مسافرت نموده در هتلها اقامت میکنند از جهتی به بهانه زیارت و از جهتی نیز با انگیزه تجارت از جمله خرید زمین یا ملک و یا استفاده از امکانات تفریحی اطراف حرم عازم میشوند. از جمله کارهای جمهوری ملایان ایجاد خانه هایی در اطراف حرم میباشد که در آنها خانمهای جوان خود را بعنوان صیغه به زائران عرضه داشته از اینکه پولی را در ازای خدمات جنسی از این زائران دریافت دارند خوشحال میشوند. من بنا دارم که این معادله را بنحویز بهم زخم تا درب اینگونه فساد انگیزی که در فرهنگ آخوندی رواج دارد بسته شود.

ایران دیگر برای زائرانی که میل دارند بعنوان زیارت به مشهد بیایند فرش قرمزی پهن نمیکند. آنان اگر واقعاً بمنظور زیارت میایند میباید به پرسشنامه دقیقی که به این منظور طراحی شده پاسخ دهند. ضمناً میباید تعهد کتبی بسپارند که در دوران اقامت در هتل به کارهایی مانند آنچه در بالا ذکر شد مبادرت نمیکند. اگر تخلفی در این مورد از آنها مشاهده شد میبایستی مبالغ سنگینی بعنوان غرامت بپردازند. ضمناً در صورت تخلف برای همیشه از تکرار این سفر زیارتی محروم خواهند شد.

اما تکلیف صیغه خانه ها چه میشود؟ من بنا دارم که موضوع صیغه و صیغه گری را به این صورت حل کنم. ازدواج که امری مقدس و دائمی بین زن و مرد است نباید به عنوان ازدواج موقت از الوهیت و تقدس ساقط شود. صیغه گری ازدواج موقت نیست بلکه بهانه ای است برای تن فروشی. اگر زن یا دختری خواهان ازدواج است میتواند برای آشنایی با مردانی که علاقه مند به تشکیل زندگی هستند در مؤسساتی که بدین منظور اختصاص داده میشوند ثبت نام کند. این مؤسسات که بنوعی آژانس همسریابی هستند راه خوب و بهینه ای برای ایجاد ارتباط بین دو جنس مخالف میباشند. امری به اسم ازدواج موقت در اقلیم شهریار ولی وجود نخواهد داشت. اگر دو طرف ازدواج مایل بودند در برهه ای از زمان به ازدواج خود خاتمه دهند البته مسیر طلاق موجود است.

ارزش زن در جامعه

چگونه میتوان ارزش زن را در جامعه بررسی نمود بدون اینکه به نقش بزرگ زنان در طول تاریخ بشر اشاره کرد؟ بدون شک زنان نیمی از بار تاریخ را بر دوش دارند و نیم دیگر متعلق بمردان است. خداوند در خلقت بین زن و مرد از نظر روحانی تفریق و اختلاف فاحشی قائل نشد و هر دو را دارای طلیعه ای از روح خویش نمود. در قرآن کریم این مسئله تصریح شده است که خداوند پس از خلقت آدم میفرماید: نفخت فیه من روحی - بمعنی اینکه از روح خود در وجود او دمیدم. این روح الهی چه در وجود آدم و چه در حواء موجودیت داشته و به فرزندان آنها منتقل و در نوع بشر عمومی ست. اگر فرض را بر این قرار دهیم که همه ما از عالم قدس بدینجا آمده ایم پس این استطاعت در بین زن و مرد مشترک است و هر دو با نیل به خیر و صلاح رستگاری و بازگشت خود را به عالم قدس فراهم میکنند.

با وجودیکه کافران از طلیعه ایمان الهی بی بهره اند ولی خداوند منان در وجود آنان نیز عقلی کامل و استوار که خود مظهري از خداگونگی ست قرار داده است. بنابراین کافران نیز اعم از زن یا مرد استطاعت اینرا دارند که وجود خود را به کمالات انسانی آراسته نموده از افتادن بکام آتش جهنم باز داشته شوند. در دستگاه پروردگار معظم ذره ای بی عدالتی وجود ندارد و هر کس جز این فکر کند در عمق بی اطلاعی و نادانی ست.

زنان در جامعه بشری همواره نقش کلیدی را ایفا نموده اند. مقام مادران در خور ستایش است و هر انسانی در دامن مادری پرورش یافته است. انسانهای بزرگ معمولاً مادرانی دلسوز و شریف داشته اند. زنان در حوزه عشق و احساسات پیشرفته تر از مردان و از این نظر در اوج قرار دارند. تاریخ نشان داده که بسیاری از مردان که در زندگی از وجود همسری شریف و با احساس برخوردار بوده اند این امکان را پیدا نمودند که به افقهای بلند دسترسی یابند. بر عکس این گفته نیز درست است بدین معنی که مردی که به همسر خود ارزش و اهمیت داده زندگی را به کام وی شیرین کند امکانات تعالی و تکامل همسرش را فراهم ساخته است. زن و مرد در کنار هم قدرت میابند و بنوعی مکمل یکدیگرند. در محیط کار نیز زن و مرد دوشادوش هم چرخهای جامعه را بحرکت درمیاورند.

موضوع حجاب

اینکه در قرآن کریم آیه ای تحت عنوان حجاب وجود دارد بهیچ عنوان نباید باعث این شود که افرادی به خود اجازه دخالت در پوشش زنان را بدهند. جامعه میباید بحدی سالم و پرتحرک

و سرشار از سازندگی باشد که موضوع مناسب بودن پوشش به مخیله کسی خطور نکند. تنها ذهنهای بیمار ملایان و هواداران آنهاست که این موضوع را دست آویزی برای تثبیت اقتدار خود در جامعه قرار دادند. خوشبختانه زنان ایران با مبارزه مستمر بر علیه این اقتدار خشونت بار و وحشیانه نشان دادند که زیر بار زور نمیروند ولو اینکه با جانهای خود بها پرداخت کنند. چه کسی میتواند باور کند که در دوران ستم آخوندی دختری غیور بر بالای سکویی رفت و در حالیکه حجاب سفید خود را به علامت اعتراض تکان میداد فردی فاقد شرف او را از بالای سکو به پایین پرتاب کرد؟ ما افرادی را که نسبت به زنان در طول حکومت نامردمان گرگ صفت ظلم فاحش صورت داده اند پاسخگو خواهیم کرد. اینان بزودی جواب این بی مروّتی و نامردمی خود را پس خواهند داد.

برای اینکه زنان جامعه خود را همپراز و برابر با مردان احساس کنند البته نیاز به فرهنگ سازی بسیار است. حتی در بعضی جوامع پیشرفته نیز تا یک نیم قرن پیش زنان از داشتن حق رأی و بسیاری حقوق دیگر محروم بوده اند. در جوامع غربی سیستم کلیسا موجب عقب ماندگی بود تا اینکه در دوران رنسانس جهشهای بزرگی در مسیر پیشرفت و اعتلا صورت گرفتند. متأسفانه تغییر در کشور ما سیر کندتری را طی نمود و با وجودیکه جنبش مشروطیت روال پیشرفت را سرعت بخشید اما تنها با آمدن رضا شاه بود که جامعه عقب نگهداشته شده ایران حرکتی کرد. رضا شاه با فشار و زورورزی که خاص او بود زنان را از زیر بار حجاب بیرون آورد. هر چند که من شخصاً مخالف چنین رویکردی هستم اما باید گفت که با توجه به ترسی که در دوران قاجار توسط قشر آخوند در دل زنان ایجاد شده بود راهی جز آنچه رضا شاه در پیش گرفت وجود نداشت. هرگاه زنان دیدند که بدون حجاب نیز میتوان در معابر عبور و مرور کرد بدون اینکه آسمان بر زمین بیاید جرأت و اعتماد بنفس پیدا کردند و در جامعه هر روز بیشتر از روز پیش در کنار مردان جای خود را یافتند.

در زمان شاه فقید نیز زنان بسرعت سیر ترقی و تعالی را طی میکردند. آری در کنار زنانی که برای کشور و ملتشان افتخار آفریدند دیگرانی نیز بودند که موجبات سرافکندگی را فراهم کردند. اما با توجه به کلیت جامعه و سیری که بسوی آینده ای شکوهمند طی مینمود میتوان بر این قشر کوچک فاسد و تنزل گرا قلم اغماض کشید. در جامعه ای که من در صدد تشکیل آن هستم البته زنان در کنار مردان جایگاه محکم و غیر قابل تزلزلی را دارا خواهند بود. آخوندها و هواداران آنها دیگر بر اوضاع جامعه امام زمانی دستی نخواهند داشت و اگر چنانچه بخواهند از خود مایه ای نشان دهند شک نداشته باشند که با آنها با اقتدار برخورد خواهد شد.

زنان جامعه مادران و دختران و خواهران ما را تشکیل می‌دهند. هر فرد اندیشمند و دانا میباید در رفتاری که با زنان جامعه دارد اینرا در نظر گیرد که آیا میپسندد که با خانواده خودش چنین رفتاری صورت گیرد یا نه. اگر پاسخ منفی ست پس میباید از داشتن رویکردی که زن را بهر عنوانی نازلتر از مرد نشان دهد بشدت دوری جوید. اخلاق انسانی حکم میکند که فرد در هر موردی خویشتن را جای دیگری قرار دهد. این گفتار از مسیح است که با همسایه خود آن را نکن که نمیخواهی با تو انجام شود. اگر از مردم آزاری دیگران نسبت به خود بیزار هستی پس تو نیز از آزار دیگران خودداری کن. من نیز بعنوان شهریار ولی مطلبی را به این گفتار افزوده میکنم:

هر گاه چراغ دیگری را خاموش خواهی پرتوی را که در قلب توست رفته رفته خاموش میشود. وقتی قلبت فاقد پرتو باشد در آتش دوزخ پرتاب میشوی...

بخش چهارم

رهبران دینی

امروز با بودن من در عالم هستی موضوع رهبری دینی معنای تازه و متفاوتی پیدا میکند. من از عالم قدس برای هدایت بشر فرستاده شده ام تا برای رسانیدن ابناء بشر به فلاح و رستگاری اقدام کنم. امروز رهبری سه دین عمده یعنی ادیان ابراهیمی با شخص من است. ما دین دیگری را در عالم برسمیت نمیشناسیم. بنابراین توصیه میکنم که اگر به دین یا کتاب دینی دیگری علاقه و دلبستگی دارید زودتر آنرا دور اندازید و به جمع ما بپیوندید تا فلاح و رستگاری را برای خود و خانواده های خود امکان پذیر سازید. اگر قدم در کشتی که ما در حال پی ریزی و ساختن آنیم گذارید بدون شک پروردگار عالم را که حامی من است از خود خوشنود ساخته اید. و اگر احیاناً در صدد اخلاص و کارشکنی در کار ما برآیید بدون شک با شما برخوردی جدی و پیامبرگونه خواهد شد. من بار دیگر تصریح میکنم که پیامبر نیستم و آخرین پیامبر عالم را که محمد رسول الله میباشد بعنوان خاتم پیامبران میشناسم. ائمه اطهار و در صدر آنها علی علیه السلام مورد قبول و اعتقاد من اند. آخرین امام از ذریه علی که در غیبت کبری بسر میبرد اینک بعنوان امام صامت اوضاع جهان را زیر نظر دارد حال آنکه من امام گویا هستم. بنابراین من از تمام اختیاراتی که یک امام داراست برخوردار میباشم. مهمتر اینکه خداوند منان خود مستقیماً با من در ارتباط است و الهاماتی که بمن میرسد مرا در مسیری که باید پیش میبرد. خداوند متعال مرا بمتابۀ کوهی استوار قرار داده تا خلقهای عالم بدانند که مسیر هدایت کدام است و مسری که به پرتگاه نیستی میانجامد کدام. در این دوران که خداوند نمایندگی تام الاختیار خود را بمن تفویض نموده هر رهبر دیگری که خود را نماینده الهی بداند بدون تردید ساز شیطان را نوا داده و برای او و پیروانشان راه و طریقی به عالم قدس وجود ندارد.

ملّایان

شیعه دوازده امامی یکی از مذاهبی است که مهر تأیید ما را دارد. اگر این مطلب ملّایان را خوشحال میکند بهتر است اضافه کنم که هیچ فردی که عنوان آیت الله یا حجت الاسلام و غیر آنها بیدک میکشد مورد تأیید ما نیست. خداوند تعالی عموماً ملّایان را مبعوض میدارد و این تا زمانی است که بخواهند بر این طریق ادامه دهند. هرگاه کسی از میان این جامعه

حاضر باشد که برای رسیدن به رستگاری اقدام کند میباید پیش از هر چیز این القاب را بدور انداخته از گذشته خود توبه نماید. راه پیش رو برای ملّایی که ترک روحانیت کرده باشد راهی باریک است و این بهتر از اینست که راه رستگاری بر وی بکلی مسدود باشد. توصیه میکنیم که هر چه زودتر برای خود زندگی و کار شرافتمندانه ای در نظر گیرید زیرا دوران مفتخواری شما سر آمده است و در ایران آینده برای شما جایگاهی وجود نخواهد داشت.

علّت العلل وجود طبقه ملّایان حفظ و اشائه علوم دینی ست. ما برای این منظور برنامه ای داریم. مدرسه فیضیه بدستور من تعطیل و محیط فراخ آن به پرورشگاهی برای کودکان بی سرپرست تبدیل میشود. حوزه علمیّه نجف بعنوان دارالحکمة حفظ شده و بجهت وجود مرکز و مأخذی برای ارائه علوم شیعیان کتابخانه ای معظم و مجهّز در آنجا قرار خواهد داشت. آخوندی نیز که در آن حوزه در حال حاضر بعنوان رهبر فقهی یا مرجع تقلید حضور دارد میتواند بعد از صلب عنوان و ترک مقام دینی که دارد به ریاست کتابخانه و دارالحکمة مشغول باشد. این بنفع و صلاح اوست زیرا القابی مانند آیت الله و حجّت الاسلام از بهترین و سریعترین کلیدواژه های ورود به جهنّم میباشند.

پیامبران اولوالعزم

خداوند تعالی برای هدایت بشریت در طول تاریخ مردانی بزرگ به صحنه روزگار فرستاده است که تعداد آنان بیشمار است. بزرگترین و مهمترین این مردان بعنوان پیامبران اولوالعزم شناخته میشوند که شامل نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، و محمّد میباشند. هر یک از این پیامبران عالیقدر منتی عظیم بر گردن بشریت داشته و دارند زیرا خلائق بیشماری بواسطه آنها به صلاح کشانیده شدند. خداوند منّان برای هر یک از این پیامبران مقام و جایگاهی رفیع در عالم باقی در نظر گرفته است. ولی عالیتین جایگاه از آن کسی نیست مگر پیامبر عالیمرتبه اسلام محمّد نبی (ص) که آخرین پیامبر الهی و خاتم انانست.

پیامبران افرادی هستند که از نظر خلقت با افراد عادی متفاوتند. خداوند متعال وجود پیامبران را از نور آفرید و آنانرا با خصلتهای عالیه مزین ساخت. پیامبران در عالم بالا دارای مدارجند و من نیز که در گذشته های دور به عنوان ادریس و بار دیگر بعنوان الیاس به دنیای شما قدم گذاشتم دادای بالاترین مدارج در نزد پروردگار میباشم. در عالم قدس مرا به نامهای دیگر نیز میشناسند که مهمترین آنها مهر برین یا میتراست.

رسول خدا محمد

ما به رسول خدا محمد (ص) اقتدا میکنیم . اینمرد بزرگ و فرهیخته که از بالاترین و شریفترین مخلوقات خداوند منان بوده و هست برای ختمیت بخشیدن به نهضت پیامبران که از ابتدای خلقت آغاز شده بود بمیدان آمد. محمد که بمنزله پدر بشریت و دارای والاترین مقام و مرتبه در میان پیامبران و اولیاء خداست کتابی نیز تحت عنوان قرآن کریم از عالم قدس و به وحی الهی به عالمیان عرضه کرد که بهترین و عالیتین کتاب و سند هدایت است. پیامبر اکرم برای اینکه پس از رحلت وی راه خدا مسدود یا دچار تشطط و نابسامانی نگردد دست علی (ع) را بعنوان جانشین و ولی خود بالا برد. لیکن اندکی از رحلت پیامبر بزرگوار گذشته بود که جنگ قدرت در بین صحابه ای که هر یک خود را به جانشینی پیامبر محق تر میدانستند آغاز گرفت. بالاخره قرعه بنام ابوبکر افتاد. پس از ابوبکر نیز عمر و عثمان بترتیب حق ولایت را ازعلی علیه السلام غصب کردند.

علی علیه السلام

علی که پسر عموی پیامبر نیز بود مردی بود رشید که در تمام مصافهای صدر اسلام همچون شیری غران بر سپاه کفر میثورید و صفوف آنان را در هم میدرید. علی (ع) با شخصیتی بی بدیل و علم و عرفان ممتازیکه داشت از همه اطرافیان پیامبر برای احراز سمت جانشینی سزاوارتر بود. ولی تقدیر چنین بود که عرصه بدست نفاق پیشگان افتاده و حقیقت اسلام برای مدتی مدید از نظر عموم مسلمین پوشیده ماند.

علی علیه السلام مردی بود که نزدیکترین فرد به رسول الله به حساب میامد. شبی که در آن رسول الله را به مرگ تهدید نموده بودند وی تنها کسی را که برای خوابیدن در بسترش امین و مورد اعتماد میدانست علی بود.

خلقت علی و شهریار ولی

علی در همه جا در کنار محمد رسول الله بود و آنچه باعث میشد علی تا این حد به رسول خدا محمد نزدیک باشد تنها این نبود که پدران آندو برادر هم بودند. بلکه بواسطه خلقت نیز با هم قرابتی نزدیک داشتند. باین ترتیب که محمد نور اول خلقت بود و بلافاصله بعد از آن علی علیه السلام و شهریار ولی از یک نور خلق شدند. بعبارت بهتر من و علی بمنزله همزاد یکدیگر محسوب میگردیم. این همزاد بودن به این معنی نیست که در اعمال و رفتار با هم

یکسان باشیم. من مأموریت ندارم که همانند برادرم علی با شدّت و غلظت رفتار کنم. بر عکس وجود مرا از رحمانیتی بی بدیل ساخته اند. شما این مهرورزی و محبت را در چهره و حالات من در میابید و اگر اینرا منکر شوید از کم محبتی من نیست بلکه از کم لطفی شماست.

اُئْمَةُ اطهار

پس از علی (ع) دو فرزند او حسن و حسین علیهم السلام به ولایت رسیدند و حسین کسی بود که توسط ایادی یزید بن معاویه در نبردی خونین مظلومانه شهید شد.

شهادت حسین علیه السلام از نقاط عطف اسلام تشیع است و همه ساله مسلمین شیعه مذهب شهادت حسین را در طی مراسمی نمادین عزاداری میکنند. پس از حسین فرزند او زین العابدین و پس از وی نیز فرزندان دیگر پی در پی به امامت رسیدند. آخرین آنان امام زمان علیه السلام از انتظار ناپدید و هم اکنون در شرایط غیبت بسر میبرد.

اینکه در ایران دوران خلافت خامنه ای و خمینی مردم برای عاشورا و تاسوعا مراسمی خاص و نمادین را اجرا میکرده اند مورد تأیید یا تقبیح ما نیست. میتوان گفت که در اینگونه مراسم پر خرج آنچه را که مثبت و مفید بوده غذایی ست که در اختیار مستمندان و فقرا گذاشته میشود است. بجز این مورد، نمیتوان مراسم عزاداری را حائز منفعتی دانست. بجای این مراسم پرخرج و کم منفعت میشود سالیانه در این روز سالیانه را اختصاص داد که در آنها افرادی با لباس مرتّب و شکیل از مستمندان بنحو احسن پذیرایی کنند. اینکار بمراتب دارای صواب و انعام بیشتری در نظر خداوند منان میباشد. سینه زنی و کارهایی از این دست نه برای خدا و نه امام حسین یا من ارزشی نداشته بلکه مورد اشمئزاز ماست.

امام هشتم شیعیان امام رضا که لفظ امام رضای غریب نیز باو اطلاق شده است از زمره افرادی ست که همچون من از منشأ نور قدسی خلقت و برای اعتلای اسلام بدین عالم قدم گذاشته و در شهر مشهد اقامت گزید. امام رضا در دوران زندگی از شرایط مرفهی برخوردار بود و بخاطر اصرارهای مکرر خلیفه عباسی مأمون که مردی مزور و فاقد شرف انسانی بود تن به ولایتعهدی داد. مأمون که نمیتوانست محبوبیت امام رضا را تحمل کند به ترفندهای گوناگون دست میازید تا شاید مانع از این محبوبیت گردد. ولی همواره تلاشهای

او بی نتیجه میماند تا اینکه برای حذف امام رضا از صفحهٔ روزگار تصمیم به مسموم کردن وی گرفت.

امام زمان (عج) و شهریار ولی

امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای مسلمانان شیعه مذهب مظهر هدایت و ولایت است. ایشان که توسط ایزد تعالی بطور معجزه آسا دارای عمر طولانی گردیده اند هم اکنون در تدارک نهضتی هستند که شروع آن بدست من و ادامهٔ آن بدست ایشان و یارانشان است. امروز من امام گویا هستم و امام زمان امامی صامت است. حکم امامت از عالم قدس بدست من داده شده است. رسول اکرم در خوابی بمن ظاهر گردیده حکم رهبری مسلمانان شیعه مذهب را بشرح زیر بمن تقدیم نموده اند:

حکمنامه

بدینوسیله به شهریار مسدّد که از بزرگان عالم قدس است مأموریت و رسالت داده میشود که حکومتی را برای مقابله با توطئهٔ سفیانی که به تدارک نیرویی بر علیه امام زمان مشغول است تشکیل داده پایگاهی را برای یاران ما پی ریزی و شرایط ظهور امام زمان را فراهم نماید.

رسول خدا محمّد

امام سجّاد علیه السلام

کتاب شریف صحیفهٔ سجّادیه که شامل دعا‌های روح بخش میباشد از امام سجّاد علیه السلام بما رسیده است و بعد از قرآن کریم و نهج البلاغه بالاترین سند الهی در نزد شیعیان است. خواندن این کتاب برای فردی که نیازمند توبه است بسیار توصیه میشود. برای نیل به توبه و ترک گناه، و حصول مغفرت الهی دعا‌های این کتاب را بارها و بارها بخوانید. در فضایی آرام ادعیه را مطالعه و دربارهٔ متن و مفهوم آنها تفکر کنید. اجازه دهید که گریه و انابه وجود شما را در بر گیرد. اگر این روش را در طی شبهای دراز و متمادی بجا آورید امید است که خداوند منّان وجود شما را قرین مغفرت نماید.

کتاب شریف نهج البلاغه توسط فردی بنام سید رضی از نوادگان امام موسی کاظم جمع آوری گردیده که از شرافت رفتار و گفتار برخوردار بوده است. مطالعه خطبه های روح بخش نهج البلاغه انسان را با شخصیت بی نظیر علی علیه السلام بیشتر آشنا میسازد.

علامه مجلسی

یکی از افرادی که در عالم تشیع آثار بسیاری از خود بجا گذاشته فردی ست معروف به علامه مجلسی. با وجودیکه ما خدمت مجلسی را به عالم تشیع بجهت جمع آوری و کلاسه کردن احادیث شیعه ارزشمند میدانیم اما احادیث بیشماری نیز مورد توجه وی بوده اند که فاقد ارزش هدایتی بلکه باعث انحراف اذهان میتوانند بود. توصیه میشود که تمام احادیثی را که مجلسی جمع آوری کرده توسط هیئتی بازبینی شود و یک بخش از کتاب اختصاص یابد به احادیث ضعیف و گمراه کننده. این احادیث ضعیف که تعداد آنها به هزاران میرسد میباید کاملاً مجزاً از احادیث صحیحی قرار گیرند که از امامان شیعه بما منتقل شده اند. این مهم میباید در لیست وظایفی قرار گیرد که یاران دینمدار ما بآن توجه دارند.

علامه مجلسی در سیاست نیز دستی داشت. او با مقام علمی و انتشارات وزینی که صورت داده بود نظر سلاطین وقت را بخود جلب کرده جذب دربار گردید. سلطان صفوی همه کار را با نظر مجلسی انجام میداد و او بمنزله نزدیکترین معتمد سلطان ادای وظیفه میکرد. مجلسی را میتوان بعنوان اولین آخوند درباری بحساب آورد. آخوندهایی از قبیل سید حسن امامی که در دورانهای اخیر در کنار شاه فقید قرار گرفتند تقریباً وظیفه ای مشابه مجلسی را در دوران خود بجا میاوردند. مجلسی از نظر اخلاق انسانی دارای فقدان و نقصانهای جدی بود بطوریکه در بعضی از اعمال جانیانه سلطان صفوی از قبیل قتل عام سنّیان نیز نقش داشت.

شیخ مفید و شیخ صدوق

دو تن از محققینی که به عالم شیعه خدمت کرده اند و بیشتر آثار آنان مورد تأیید و تحسین ماست.

امام محمد غزالی

دانشمندی که در دوران انتظار یعنی غیبت امام زمان (عج) مفاهیم بلند اسلام را برشته تحریر درآورد و خلق بیشماری را بسوی خیر و صلاح کشانید. محمد غزالی امامی خودخوانده از سلک خمینی نبود. غزالی از جانب خدای تعالی مأموریت یافت تا جماعت مسلمان را بواسطه آثار بلند خود به صلاح کشاند. غزالی ظاهراً به آئین شیعه تمسک نمیکرد ولی در باطن از شیعیان ما بود. کتابهای وی تحت عنوان احیای علوم دین و نیز کیمیای سعادت حاوی مفاهیم سودمند و انسان سازند.

سنایی، عطار، و مولوی

هر یک از این بزرگان نسبت به آیین الهی اسلام خدمات ارزنده و بی نظیری نمودند و کتابهای آنان حاوی مفاهیمی جاودانه است.

این سه عارف بزرگ که در پی هم آمدند گنجینه هایی از علوم عرفان اسلامی را به عالم عرضه کردند. آنچه را که سنایی و عطار گفته و سروده بودند مولوی به اوج خود رساند. کتاب مثنوی معنوی حاوی بخشهای متعدد و ارزشمند بوده عمق بینشی که مولوی داشته او را در ردیف بزرگانی چون سهروردی قرار میدهد.

شهاب الدین سهروردی

سهروردی فردی بود که در رشد و گسترش عرفان ایران نقش بسزایی داشته است. کتاب معروف وی تحت عنوان حکمت اشراق ترکیبی است از حکمتهایی که فیلسوفان یونان باستان همچون افلاطون و ارسطو عرضه کردند با مفاهیمی که در کتابهای مرجع اسلام از جمله قرآن کریم موجود است. میتوان چنین تلقی کرد که سهروردی هم عارف، هم فیلسوف، و هم انسان سازی بزرگ بود.

ملاصدرا

محمد بن ابراهیم شیرازی معروف به ملاصدرا از افرادی بود که فرهنگ الهی را مستقیماً از استاد جوان و فرزانه اش سهروردی فراگرفته بود. آثار ملاصدرا خدمت بزرگی به تلفیق علوم عرفانی و مذهب تشیع نموده اند و دیدگاههای این فیلسوف عارف باعث میشود که آخوندهای قشری و خشک مذهب بخواهند رخت خویش را از این ورطه بیرون کشند. این طایفه هرگاه که با عالم و عارفی بزرگوار و والا مرتبه مواجه میشوند بخاطر عقده هایی که در باطن آنها نهفته است یکی از دو کار را انجام میدهند. یا با آن بزرگمرد در افتاده کارهای ویرا تقبیح میکنند و یا اینکه اگر قدرت اینکار را نداشته باشند خود را از او مبرا ساخته به دروس حوزوی خود میپردازند. حکومت جمهوری اسلامی نیز برای اینکه خود را علاقمند به عرفان ملاصدرا نشان دهد خیابانی را باسم او قرار داده است تا حفظ ظاهر نموده مردم را با این ترفند فریب دهد. آیا افرادی که امثال نواب صفوی را بزرگ میدانند و به انسانی مارصفت چون خمینی اقتدا میکنند میتوانند ملاصدرا و دیگرانی از سلک او را نیز بزرگ دارند؟ از دیدگاه من که این امر بسیار بعید بلکه ناممکن است.

سعدی، فردوسی، نظامی

این بزرگان نیز کاخهایی بلند از نظم و نثر برپا کرده الهام بخش خلقهای بیشمار بوده و هستند.

ایران بخاطر وجود چنین بزرگانی خود را از نقطه نظر فرهنگی در صدر عالم قرار داده است. در هیچ جای جهان هستی افرادی با چنین افکار و اشعار بلندی وجود نداشته و نخواهند داشت. آثار این بزرگان هر یک شاهکاری در نوع خود بوده باعث میشوند که من ایرانی به سرزمینم مباحثات کنم. مطمئن هستم که شما هموطنان نیز احساسی مشابه من در دل دارید.

حافظ شیرازی

راستی کدام ایرانی ست که حافظ را نشناسد و جلدی از کتاب حافظ را در منزل نداشته باشد. حافظ شیرازی فردی بود که همانند ایرانیان این دوران از محیط خشک و ظالمانه ای که حاکمان آنزمان در جامعه ایجاد کرده بودند به تنگ آمد و بوسیله اشعار بلند و شیوا این

نارضايتی و رویگردانی خود را در اختیار عموم گذاشت. حافظ با اینکه شاعری شیرین سخن و سراینده ای بدیع و پر قدرت بود از دیدگاه الهی در درجه پایین تری از خلوص در مقایسه با هم مسلکانی چون سعدی و مولوی بود. اینکه بعضی از ایرانیان کتاب حافظ را در کنار قرآن قرار میدهند از دیدگاه ما مردود بلکه کفرآمیز است. فال حافظ نیز در فرهنگ الهی منشأ و جایگاهی ندارد و من عقیده به اینگونه خرافات را به کسی توصیه نمیکنم.

صوفیه

صوفیه بعنوان یک طبقه و جمعیت از تأیید ما برخوردار نیستند. اما در طول تاریخ اسلام تعداد انگشت شماری از صوفی مسلکان به جایگاه بلندی در نزد خداوند منان دست یافتند. از این گروه میتوان از منصور حلاج و بایزید بسطامی نام برد. دیگرانی نیز هستند که دارای جایگاهی رفیع بوده اند ولی امروز کسی از میان صوفیه در جایگاه حق قرار ندارد و رهبران آنها عموماً دروغزن و شیادند. بنابراین از فعالیت اجتماعی و دینی این گروهها جلوگیری بعمل خواهد آمد و تنها میتوانند در تاریکی خانه ها و دالانهای خود به عبادتهای بیمارگونه خود بپردازند.

آیین بهایی

بهاء الله از جمله رهبران دینی بود که توسط شیطان اغفال گردیده و مصداق بلعم باعور در قرون اخیر است. افرادی که به آیین بهایی تعلق خاطر دارند بدانند که بکلی از مسیر هدایت بدور و در چنگ شیاطین جن و انس قرار دارند. توصیه میکنم هر چه زودتر از این مسیر خطرناک بازگشته خود را به نهضت ما ملحق کنند تا قابلیت چشیدن فلاح و رستگاری را پیدا نمایند.

رهبران دین یهود

آیا این رهبران پوشالی چیزی از دین و آیین خدا و کتاب آسمانی که خداوند بدست موسی کلیم الله نازل فرمود میدانند؟ اگر میدانستند خود را به این ظواهر سخیف و ناموزون در نمی آوردند و حرکات لغوه گونه را بعنوان عبادت تلقی نمیکردند. اینان میباید بکلی بساطشان را

برچینند و مردم شریف یهود و بخصوص خلق اسرائیل باید از ما آموزه های دینی شان را کسب کنند.

رهبران مسیحیت

آنچه در کلیساها میگذرد بیشتر مصداق کفر است تا خداپرستی. اینان از مسیح پیامبر تمثالها و تصاویری ساخته و او را بر روی صلیب نمایش میدهند تا به مردمان اینطور القا کنند که مسیح بطرزی وحشیانه مصلوب گردیده است. آیا نمیدانند که خداوند منان بهیچوجه اجازه آزار مسیح را به گروهی که برای دستگیری وی آمدند نداده است؟ هر چند که بخشهایی از سخنان اصیل مسیحا در کتاب انجیل آمده است ولی بخشهایی از این کتاب به آراء و افکاری آغشته است که موجب گمراهی اند. به رهبران مسیحیت توصیه میکنم از مبادرت به تعلیمات کفرآمیز دوری جسته بر مدار ما قرار گیرند.

سایر ادیان

ما دینی را جز ادیان ابراهیمی برسمیت نمیشناسیم. پس هر کس از دین دیگری متابعت کند از دیدگاه ما از راه خدا منحرف بلکه مشرک و ملحد است. توصیه میکنم به جمع یاران ما بپیوندند و بر کشتی نجاتی که خدای منان بدست ما خواهد ساخت قدم بگذارند تا از طوفانی که در راه است در امان مانند.

ادیان الهی منحصر و محدودند به ادیان ابراهیمی. ادیان دیگری که در شرق و غرب دنبال میشوند از جمله دین بودا و هندو، و آئینهای انحرافی که باعث تخدیر و از خود بیخودی شوند همه راه به زوال عقل و روح داشته انسان را به تنگنا میرسانند. اگر خواهان تعالی روحانی میباشید میباید پیروی یکی از ادیان ابراهیمی که دارای کتاب نیز هستند باشید. کتاب آسمانی قرآن تنها کتابی است که محفوظ باقی مانده و از دستخورد حوادث در امان بوده است. امروز با بودن من در عالم هستی دینداری و خداپرستی عبارت است از قرار گرفتن بر مدار ما و عشق حق را در دل پروراندن.

اگر مایل هستید که در خیل رستگاران باشید توصیه میکنم به آحاد مردمی که از من حمایت و جانب داری میکنند بپیوندید. آیا هنوز سر در کتابی میکنید که مربوط به قرنهای گذشته است و به شما رهبرانی را میشناساند که در عالم قدس در کنار من و جزو یاران من بوده اند؟ پس

در عوض اینکه در لابلای صفحات کتابهایی که غالباً نیز دستخورده و فاقد اصالتند بدنبال فردی بزرگ و روحانی بگردید مرا دریابید که همه آنچه در پی آنید در وجودم منعکس و ملحوظ است. تا زمانی که خداوند تعالی نخواهد و صلاح نداند شما حتی یک قدم به سوی کمال معنوی طی نمیتوانید کرد. امروز خدای تعالی از شما میخواهد که با من بیعت کنید تا وجودتان از دستخورد شیاطین جنّ و انس محفوظ ماند. برای حسن ختام این بخش آیه هایی نمادین از قرآن کریم، تورات، و انجیل میآورم:

سورة والعصر آیه ۱

والعصر. ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر

این آیه به انسانها میگوید که در خسرانند مگر آنهایی که ایمان آورده اعمال صالح بجا آورند. امروز اعتقاد و ایمان بمن مصداق ایمان است و لاغیر. عمل صالح پیوستن به خیل یاران و هواخواهان منست.

در کتاب ملاکی نیز بند ۴ اینطور میخوانیم:

بنگرید، من بسوی شما الیاس را میفرستم پیش از آنیکه (بلای) خداوند معظم بر شما نازل شده همه چیز را معدوم نماید.

در این آیه که از آخرین بخش کتاب عهد عتیق (تورات) برداشت شده بشارت از آمدن دوباره الیاس داده شده. اینکه در این بند اشاره به آمدن (بلای) خداوند دارد مقصود نزول امام زمان مهدی و مسیحاست که مدّتی پس از نهضت من واقع میشود.

در کتاب انجیل بخش متّی ۱۷ نیز چنین میخوانیم:

آنگاه حواریون از عیسی پرسیدند، پس چرا میگویند که الیاس میباید ابتدا بیاید. پاسخ عیسی بدانان اینبود: **آری الیاس می باید ابتدا بیاید و همه امور را سر و سامان دهد. ولی من بشما میگویم که الیاس اکنون آمده است و شما او را نشناختید و آوردید بر**

سر او آنچه آوردید. آنگاه حواریون متوجّه شدند که منظور عیسی یحیی تعمید دهنده بوده است.

در این آیه که بوضوح از زبان عیسی مسیح نقل شده اشاره به این رفته است که الیاس میباید پیش از نهضت مسیحا بیاید. آنگاه عیسی بخاطر اینکه یحیی تعمید دهنده نیز بنوعی در حیات اول مسیح راهگشای او بود، سعی میکند تا به حواریون اینرا القا کند که روح الیاس در غالب یحیی بود. این تنها تمثیلی بود که عیسی بکار برد و بدین معنی نبود که یحیی همان الیاس بوده است.

وقتی آیه بالا از عهد عتیق را با آیه پایین از عهد جدید کنار هم بگذاریم چنین استفاده میشود که الیاس پیش از ظهور دوباره مسیحا در آخرالزمان بر صفحه روزگار ظاهر شده شرایط را برای ظهور آماده و مستعد میسازد.

بخش پنجم

ارتباطات و سرگرمی

برای اینکه مردمی که در تحت حکومت ما زندگی میکنند از فراغ خاطر و آرامش لذت ببرند و روح خود را از دستخورد شیاطین مبرا دارند برنامه های سرگرم کننده و ارتباطات میباید توأم با کارشناسی و نظارت درست و اصولی تهیه و ارائه گردند.

این صنایع امروزه شکلی بیمارگونه و خطرناک بخود گرفته اند و بسیاری از آنها از اینکه بتوانند برای کسی اسباب هدایتی را ایجاد کنند عاجز و ناتوانند. در اقلیم شهریار ولی خواسته ما بر اینست که همه گونه برنامه در اختیار باشد. از برنامه های فکاهی و سرگرم کننده تا آموزشهای اساسی که هر انسانی برای تکامل روح خود بدانها نیاز دارد. باید گفت این مقدار از آلودگی ذهنی که در دنیای مدرن در کوی و برزن، خانه و مدرسه و دانشگاه وجود دارد در هیچ دوره ای از تاریخ بشر موجود نبوده است. جمهوری سخیف ملایان برای بازداشتن مردم کشور بخصوص جوانها از ترقی و تعالی راهها و روشهای گوناگونی را بکار میبرده است. از جمله این روشها وارد کردن انبوه مواد مخدر و مشروبات الکلی و نیز ایجاد جو دین گرایی بطرزی بیمارگونه بوده اند. سپاه پاسداران که خود مافیای انحصاری قاچاق را بر عهده داشته به بسیاری از این فجایع دامن زده است. در حوزه تولیدات برنامه های تلویزیون و رادیو، و نیز هنرهای نمایشی سینما و تئاتر نیز جمهوری ملایان ابتدال و نحوست را بحدی رسانیده که از تماشای برنامه های سراسر سخیف و بی ارزشی که روزانه عرضه میشود به آدمی حس غریبی دست میدهد. ایرانی که روزی بالاترین و بهترین کشور خاور میانه بود میباید امروز به مهران مدیری ها و سحر قریشی ها و امثال این دیو سیرتان نگاه کند و بر حال خود و سرنوشت کشور خود رقت آورد. کشوری که بدست ملایان گرفتار شد و با همان معیاری که ملایان به اعمال نفرت آور کاسه لیزی و نعلین چیدن بر درب مساجد میپردازند کشوری را نیز که با توطئه خمینی بدست آوردند به قهقرا کشانیده اند. ما برای این عباپوشان وطن فروش امروز خبر بدی داریم. فردی را که از آمدنش هراس داشتید در چند قدمی شماسست و بزودی او و یارانش همانند دزد شب از راه رسیده شما و اعوان و انصارتان را بخاطر ظلم و جوری که بمردمان روا داشته اید بخاک و خون میکشند. این فرد البته کسی نیست مگر امام زمان مهدی (عج)، بقیه اللهی که وعده آمدنش را در احادیث

خوانده اید. خداوند مَنّانِ امّا امروز بدست من بشما فرصتی طلایی بخشیده است تا خود و خانواده هایتان را به صلاح کُشانید. آیا خواهید توانست از این فرصت بهره برید یا همانند دلقک های سیرک به بازی با توپ های رنگی سرگرم میشوید تا اینکه شیران بیکباره درهای قفس را شکسته بسراغتان آیند؟

تلویزیون

امروز گشودن تلویزیون حکومت ملّایان باعث اشمئزاز میشود و چیزی که از این جعبه متعفن بیرون میاید برای بشر جز بدبختی و سرگردانی امری به ارمغان نمی آورد. ما برای تلویزیون و برنامه های مبتذل ملامحور که در کانالهای بیشمار مردم را دچار آلودگی دائم ذهنی میکنند نفع خاصی را متصور نیستیم و تماشای آنها را امری کفر آمیز و مضرّ میدانیم. اگر حکومت ملّایان امکان میافت تا مدّت بیشتری دوام آرد مردم و بخصوص کودکان را از نشستن در برابر تلویزیونها منع میکردیم. خوشبختانه امّا بساط این ددمنشان در حال برچیده شدن است و دیگر نمیباید نگران آلودگی ذهنی بدست این کافرکیشان بود.

در آینده ای نزدیک تحوّل را در رادیو تلویزیون مشاهده خواهید نمود. تعهّد ما بر اینست که در اقلیم شهریار ولی برنامه هایی با سطح کیفیت بالا تولید شوند. ما افرادی را که در این زمینه تخصّص دارند جذب کار نموده سعی بر این خواهیم داشت که بهترین برنامه های آموزشی و تعالی بخش را در اختیار مردم قرار دهیم تا ترغیبی به رفتن به جای دیگر و چرخاندن کانالهای ماهواره نداشته ترجیحشان بر این باشد که تولیدات داخلی را مشاهده کنند. برنامه های فرهنگی، علمی و هنری به وفور در تلویزیون ایران آینده تهیه و پخش خواهند گردید. بخش خصوصی دارای این امکان خواهد بود که کانالهای تلویزیونی متنوعی را ایجاد کند و برنامه های خود را ارائه دهد. چیزی که ما برای مردم وطن میخواهیم جز این نیست که از تماشای تلویزیون لذّت برده و نیز به روح خود و فرزندانیشان اعتلا بخشند. این نهایت آرزوی من بعنوان رهبر آینده ایران و ماوراست.

اینترنت

آنچه امروز در اینترنت میگذرد یکنوع تباهی و سرنگونی مضاعف است. چگونه میتوان فرزندان را بطرزی کنترل کرد که در اینترنت به صفحاتی که نباید راه پیدا نکنند. اصولاً چرا

باید اینترنت معدن همه گونه نجاست و آلودگی فکری و ذهنی باشد. برای رفع این معضل و با اشاره به این اصل که اینترنت پرسرعت و همه تسهیلاتی که در دنیای امروز معمولند میباید در اختیار هموطنان ما و دیگر شهروندان اقلیم شهریاری قرار گیرند چنین میگوییم: ما نمیخواهیم که به سیاق کشورهای کمونیستی عمل نموده استفاده از اینترنت جهانی را بر شهروندانمان محدود یا مسدود نمائیم. آنچه میکنیم تشویق و در اختیار گذاردن فیلترهای مناسب برای گروههای سنی مختلف است بطوریکه خانواده هایی که فرزند دارند این امکان را یابند که از فیلترهای محکم و مؤثر استفاده کنند. اینرا ما برای سلامت جامعه لازم میدانیم و به رهبران جوامع دیگر نیز توصیه میکنیم که برای ارتقای فرهنگ مردمانشان به چنین الگویی روی آورند.

سینما و نمایش

از هر پنجاه فیلم تولید شده حتی یکی ارزش دیدن را ندارد. آیا صنایع فیلم و سینما را چه میشود که نمیتوانند برنامه ای تولید کنند که بکار دنیا و آخرت افراد بشر بیاید؟ فیلمی یا سریالی که بتواند به قلیان احساسات لطیف انسانی کمک کند و یا داستان زندگی بزرگی از بزرگان دین و عرفان را تصویر کند کمتر تولید میشود.

سینما میباید دارای کیفیت بوده تولید محتوای آن بیشتر توسط افراد متفکر و اندیشمندی که در این حوزه تحصیلات عالیه دارند باشد. هرچند اینرا نیز میتوان گفت که حوزه های هنری الزاماً نیازمند تخصص نیستند و چه بسی فردی فاقد تخصص محصولی را تولید کند که متخصصین فن را نیز متحیر نماید.

فیلمسازی هنر و صنعت خوبی ست و یک فیلمساز قابل میتواند به اعتلای فرهنگی جامعه کمک نماید. ایران در سالهای پس از انقلاب همواره در فستیوالهای بین المللی حضور و گاهی نیز درخشش داشته است. اینکه جمهوری اسلامی این حکومت سخیف ملایان و هم طریقان خمینی و خامنه ای مهد تولید فیلمهایی قرار گرفته که به فستیوالها نیز راه میابند افتخاری برای حکومت جانیان حاکم نیست. این افتخار از آن ملتی ست که چنین مغزهای خلاق را پرورش داده است. حکومت در هیچیک از افتخاراتی که مردم وطن کسب میکنند نمیتواند خود را سهیم بداند. اگر حکومت قادر بود جلوی این امر را میگرفت. ولی بخاطر اینکه اینان به روش خمینی خود را ظاهراً طرفدار هنرهای مدرن و امروزی نشان دهند این امکان تولید چنین فیلمهایی را قائل میشوند. یکی از فیلمهایی که به جایزه اسکار نیز دست یافت فیلمی بود تحت عنوان فروشنده. اگر بخواهیم سوژه این فیلم را تعریف کنیم میباید

درها را ببندیم تا کودکان چیزی نشنوند زیرا سوژه واقعاً شرم آور است. مردی سالمند که به زن و شوهری جوان اطاقی را اجاره داده در زمانیکه زن مشغول استحمام است بداخل حمام رفته از وی سوء استفاده میکند. این است یک نمونه از بلایی که آخوندها بر سر ملت ما آورده اند. فقر فرهنگی که حکومت ملّیان باعث آنست کار را بجایی رسانیده که دنیا با ناباوری این صحنه ها را تماشا و بخاطر بازی های قوی که در فیلم است جایزه ای وزین را نیز به آن عرضه میکند. آیا ایرانی واقعاً میباید نسبت به تولید چنین فیلمهای مضمّن کننده ای خوشحال بوده بخاطر اخذ جایزه افتخار کند؟ از دیدگاه من این باعث سرافکندگی است که فرهنگ ایران و ایرانی تا بدینجا نزول یافته است.

آنچه در بسیاری از سینماها و تالارهای نمایش میگذرد عمدتاً تباه کردن وقت است و بهیچ عنوان مورد تأیید ما نیست. اما اگر سینما جهتی روحبخش و انسانساز داشته باشد میتواند مورد تأیید و تحسین ما قرار گیرد. بانوان بسیاری از دست اندرکاران این هنرها را تشکیل میدهند و اگر در این زمینه نقش درستی را در کنار مردان ارائه کنند این عرصه قابل اصلاح و تأثیر گذاری ست. من از مردم وطنم میخواهم که همواره در مسیر و مسیرهایی گام زنند که خوشنودی خداوند متعال را در بر داشته باشد.

زنان و مردانی که در کار نمایش یا سینما قرار میگیرند اینرا بدانند که در بیشتر موارد روح خود را دستخوش آتش خواهند نمود. اگر فیلمی تولید شده که در روح بشر تأثیر ماندگاری داشته است بخاطر اینست که افرادی را بکار گرفته است که دارای طبعی انسانی و خاصیتی گیرا و شیوا بوده اند. سریالی که تحت عنوان یوسف پیامبر تولید شد از برنامه های بیاد ماندنی ست و من شخصاً تماشای آنرا بسیار دوست داشتم. فیلم ها و سریالهای دیگری نیز تولید شده اند که میتوان آنها را حائز ارزش دانست.

هنرپیشگانی که در این دوره فعالیت داشته اند طبیعتاً از بودن در مقابل دوربین لذت برده معمولاً تشویق تماشاچیان را از دل و جان خواستارند. ما شاهد وارد شدن هنرپیشگان ایرانی به صحن فستیوالهای بزرگ جهانی بوده ایم. ممکنست فکر کنیم که این باعث افتخار است ولی وقتی که اینرا در نظر گیریم که چه نوع افرادی امکان شرکت در فستیوال و دریافت جایزه را پیدا میکنند از این فکر دوری میکنیم. آیا بعضی هنرپیشگان که هنرمندان قابلی نیز هستند وقتی که قدم بر صحن فستیوال کان و غیره میگذارند این فکر را نیز بذهن خطور میدهند که فرش قرمز با خون هموطنانشان رنگین شده است؟ آیا هنرمندانی که برای پاسداران و رهبران عمامه دار آنها سخنسرایی نموده آیات قرآن را نیز برای خود شیرینی بر زبان میاورند چه در ذهن دارند؟ من نمیدانم خیانت از چه رنگی ست چون با آن میانه ای ندارم ولی این حضرات که نام هنرمند و هنرپیشه برخورد مینهند خیانت را هر روز با رنگی

متفاوت بر تن کرده در مقابل دوربین ظاهر میشوند. هنرمندانی نیز که خود را مریدان و سینه چاکان خمینی و خامنه ای قلمداد کرده اند میباید در محضر ملت ستمدیده جوابگو باشند. ما در ایران آینده دیگر هنرمند خائن نخواهیم داشت و هنرمندانی را تشویق و ترغیب میکنیم که واقعاً لایق و سزاوار این لفظ و عنوان باشند.

هنرمندانی که سهم خود را بدرستی به مردم وطن ادا کرده بر خلاف همکاران و هم صحنگان خود تن به رزالت ندادند شایان تحسین اند و ما از آنان تقدیر لازم را بعمل میاوریم. عزیزانی که در حوزه سینما و تأثر آثاری ماندگار و شکوهمند تولید کردند بی شک در ایران آینده جایگاه خاصی را در دلها خواهند داشت.

موسیقی و رقص

ما از عالم قدس بدینجا آمده ایم و شرایطی را که در عالم بالا تجربه کرده ایم تا حدودی که مقدور باشد در این عالم برقرار میکنیم. در عالم قدس از رقص و موسیقی ضربی خبری نیست. آنچه هست نوعی موسیقی پرتنم روحانی ست که در بعضی از مواضع با صدای گروهی مردان پخش میشود و به روح ساکنان عالم قدس آرامش و صفای روحانی میبخشد. البته من شخصاً از موسیقی لذت میبرم و این میتوند شامل موسیقی ضربی نیز باشد. با این وجود موسیقی دلخواه من جز این بوده و هست و گرایش من بیشتر به موسیقی سنتی ست. افرادی که مایلند که موسیقی ضربی و ریتم دار را پیش ببرند در اقلیم ما آزادند تا جائیکه به اخلاق جامعه و معصومیت کودکان لطمه وارد نیاورند. دقت کنید که چه شعر یا شعرواره ای را در موسیقی تان عرضه میکنید. ما برای احیای فرهنگ بشری بدینجا آمده ایم و ایرانیان طبعاً در صدر این گروه قرار دارند و برای اقلیمی که من رهبری اش را بعهده خواهم داشت ایران بمنزله کشور مادر است. هنرمندانی که از موسیقی بعنوان وسیله و آلتی برای نازل کردن و تخریب فرهنگی استفاده میکنند میباید بطور خصوصی و زیرزمینی دست به این کار بزنند و ما را نیز از نظاره و تماشای خود معاف دارند.

افرادی که در حوزه موسیقی دارای استعدادی درخشان هستند و میل دارند که این استعداد را به رخ هموطنان و حتی جهانیان برسانند میتوانند از اینترنت و وسایل ارتباط جمعی دیگر برای اشائه هنر و هنرمندی خود استفاده کنند. کسی جلودار آنها نخواهد بود ولی اجرای کنسرت در میان مردم نیازمند پابندی به اصول اخلاقی و اهمیت دادن به حساسیتهای فرهنگی ست. هنرمندان خارج نشین مانند گوگوش و ابی و دیگرانی که برای تغییر حکومت روزشماری میکرده اند تا بتوانند در ایران کنسرت بگذارند این امکان را خواهند یافت و ما

در مقامی نیستیم که از این کار جلوگیری کنیم. زنان همانند مردان آزادند که در زمینه های هنری فعالیت نموده استعدادهای خود را پرورش دهند.

در خصوص رقص هم چند کلمه ای میگویم. رقصهای سنتی ایرانی از زیبایی و شیوایی برخوردارند و حمایت ما را خواهند داشت. پرداختن به و آموزش رقصهای دیگری که در دنیا معمول و مرسومند از جمله رقص باله که طرفدارانی هم دارد در اقلیم شهریار ولی آزاد است هر چند رقص حرفه ای بطور کلی مطلوب ما نیست. رقصهای عرفانی چنانکه بتوان نام سماع را بر آن نهاد چه برای مرد و چه زن مورد تأیید مانیست. آری مولوی شخصیتی بود عرفانی با روحی بلند که قابل ستایش است. رقصی را که مولوی در هنگام مستی عرفانی در جمع دوستان و یا عرفایی همراه و هم طریق اجرا میکرد نماد غرق بودن در حق است. امروزه اما این رقص جنبه بازاری و نمایشی پیدا نموده و بیشتر مورد اشمئزاز است تا اینکه لذتی از تماشای آن حاصل شود.

زنان و مردانی هستند که در نوازندگی تا جایی پیش رفته اند که به کنسرواتوارهای جهانی راه یافته اند. اینگونه هنرمندان که در موسیقی کلاسیک یا سنتی دارای استعدادی درخشانند از حمایت و تشویق ما برخوردار خواهند بود. گوش کردن به انواعی از موسیقی میتواند در زمانی که فراقتهی دست دهد مطلوب باشد. بعضی میگویند موسیقی غذای روح است ولی ما میگوییم که غذای روح آرامش و تفکر است.

نوازندگی سازهای سنتی همانند چنگ و دف یا تار برای زن و مرد آزاد است حتی اگر بصورت حرفه درآید. موسیقی سنتی که در طی دهه های اخیر به اوج خود نیز رسیده است برای ما مقبول و شیواست.

شعر و شاعری

شعرای معاصر اکثراً نتوانسته اند دینی را که به ملت خود دارند ادا کنند. شعر و شاعری صنعتی ست که نیازمند قریحه ای خاص است. من خود در این زمینه فاقد هرگونه تجربه ای بوده ام ولی با استمرار و تلاش توانسته ام آثاری را تولید کنم که میتوانم به بیشترشان افتخار کنم. به شعر سنتی علاقه دارم و هر گاه فراغتی یافته ام آثار بزرگانی چون سعدی و مولوی را از نظر گذرانده از خواندنشان لذت برده ام. در ایران معاصر نیز شعرای ارزشمند عرض اندام نموده اند. بعضی از آنها توانسته اند با تولید آثاری ماندگار برای مردم وطن

خونخواهی نموده سهم خود را بنحو احسن نسبت به ملتشان ادا کنند. تولید کار مثبت و تأثیرگذار در این زمینه امری دشوار و قریحۀ شعری در اختیار کمتر کسی ست. گذار در این زمینه امری دشوار و قریحۀ شعری در اختیار کمتر کسی است. از آنجائیکه بانوان حائز طبعی لطیف اند در حوزه شاعری موقعیت خوبی دارند هر چند که از انتخاب آن بعنوان حرفه جانبداری نمیکنیم. شعری که در تشویق دنیا گریزی یا برعکس روی آوردن به لذتهای حسّی سروده شده یا میشود هر چند که سانسور نخواهد شد ولی تیراژ آن محدود خواهد گردید تا خدای ناخواسته در جامعه مشکل ساز نشود. در اینجا اشاره ای به شاعره معروف ایرانی فروغ فرخزاد بنمایم. ایشان با طبع نوآوری تلاش داشت که دختران ایرانی را به آزادی بی حدّ و حصر و بی قید و بندی تشویق نماید. خواهش من از بانوان شریفی که علاقه مند به شعر و شاعری هستند اینست که از مدلهای بد مانند فروغ درس بگیرند و خود را در مسیر درست و هدایتمند قرار دهند.

نقاشی و مجسمه سازی

هر چند هنر نقاشی دارای امکان و پتانسیل بی حدی ست ولی کمتر میتوان تابلو و اثری را سراغ داشت که واقعاً روح را به پرواز در آورد. اصولاً هر هنری که بتواند الهام بخش روح لطیف انسانی باشد قابل تحسین است. مجسمه سازی نیز از جمله هنرهایی ست که امکان بیحدی برای الهام بخشی به روح زیباشناسی بشر را داراست. مجسمه های فردوسی در جای جای ایران عزیز و مجسمه های دیگری که در عالم به زنده نگاه داشتن یاد بزرگان فرهنگ و علم و هنر کمک میکنند به زیبایی شهرها و نقاط تاریخی افزوده و میافزایند. تخت جمشید این یادگار فرهنگ باستانی ایران دارای حکاکی ها و کنده کاریهاییست که برای ایرانیان فخر و مباهات بسیاری را به غنیمت آورده است. امیدواریم در این دوران که دوره آخرالزمان است بیشتر آثاری مورد توجه قرار گیرند که باعث تعالی روح بشر باشند.

نقاشی های فردی بنام فرشچیان دارای علوّ خاص و زیبایی است. ایشان مردی هستند نیک نفس که در حوزه آشنایی من نیز قرار داشته اند. متأسفانه در مدّت حکومت ننگین جمهوری ملّیان از وجود ایشان سوء استفاده و برای کارهایی که به حکومت و نظام منحوس آخوندی مقبولیت بخشد دعوتهایی از ایشان میشده است. امیدوارم از اینکه به این دعوتهای پاسخ مثبت داده اند نادم و پشیمان باشند. از خداوند منّان خیر و طول عمر برای این عزیز گرامی آرزومندم.

اعیاد و جشنها

جشن بزرگ ایرانیها یعنی نوروز میباید با شکوهی هر چه تمامتر همه ساله برگزار شود. نوروز یکی از اعیادی ست که ریشه در الوهیت نیز دارد زیرا این نو شدن فصل در لحظه ای صورت میگیرد که ایزد منان فکر ساختن و خلق جهان هستی را از بالقوه به بالفعل در آوردند. بعبارت بهتر لحظه تحویل سال لحظه ای ست که آغاز خلقت جهان هستی رقم زده شده است. بهمین دلیل این عید نه تنها برای هموطنان ایرانی بلکه برای همه اقوامی که بنوعی با فرهنگ ایرانی قرابت دارند نیز عید بزرگی ست.

دیگر از اعیادی که ما بنا داریم در ابعاد بزرگ آنرا برگزار کنیم عیدی ست موسوم به مهرگان. این جشن که از اعیاد باستانی ایران است در ارتباط با میلاد فردی ست از خدایگان که در اساطیر ایران و روم باستان با عنوان میترا شناخته میشده و نام دیگر وی مهر است. باید بگویم که این فرد مصداق خلقت من در عالم قدس است و خداوند متعال در وجود من ابعادی از ذات اقدس خود را متجلی کرده که در عالم قدس مرا در حد خدایگان بلکه جایگزینی برای خدا میشناسند. خداوند عالم برای اینکه ساکنان عالم قدس بتوانند وجود او را از نزدیک تجربه کنند مرا در دسترس قرار داده است تا بتوانم آینه ای تمام نما از بزرگی و عظمت پروردگار باشم.

بخش ششم

دولت و سیاست

کشورهایی که در تحت سلطه ما قرار میگیرند بوسیله سیستم فدرال با هم مرتبط و هر یک دارای رئیس جمهور و دولتی خواهند بود که امور مملکت را تنظیم میکند. رئیس جمهور هر کشور را مردم آن تعیین و ما نیز روی او صحنه میگذاریم. رئیس جمهور آینده ایران را من بواسطه الهام الهی از پیش تعیین نموده ام. اگر ایشان خواهان چنین مقام افتخار آمیزی باشد بنظر من برای مردم ایران موقعیت خوب و مطلوبی ست که چنین فرد قابلی را در صدر دولت داشته باشند. در ممالک دیگر تحت سلطه انتخاب رئیس جمهور بسته به مردم آن ممالک است و من نقشی را در انتخاب یا انتصاب آنها ندارم. البته ناگفته نماند کسی که دارای تأیید ما نیست نمیتواند به امر ریاست دولت منصوب شود ولو اینکه منتخب مردم باشد. این یک اشتباه تاریخی ست که فرض کنیم مردم همیشه انتخاب درست را مینمایند. مگر نه اینکه مردم امثال هیتلرها و استالین ها را نیز انتخاب کردند. مگر در ایران خودمان نبود که خمینی را مردم با خدا یکسان میکردند و تصویر او را روی ماه بهمدیگر نشان میدادند؟ پس اینکه بگوییم باید مردم تصمیم بگیرند سخن گزافی ست. خمینی از نادانی و خامی قشر بزرگی از مردم وطن سوء استفاده کرد و بر اریکه قدرت تکیه زد. اگر در آنزمان امامی از جانب خدا وجود داشت که حق را از باطل تفریق میداد خمینی را در پی کارش میفرستاد و فرد لایقی را برای ریاست کشور پیشنهاد مینمود. امروز این امام برگزیده حق وجود دارد و آن منم. منی که از عالم قدس بمنظور سر و سامان دادن به کار این جهان آشفته با حکمی از جانب رسول خدا محمد (ص) بدینجا فرستاده شده ام. من در طول زندگی هرگز با دنیای شما خو نگرفته از بیشتر ظواهر و عوارض آن دوری جستم. اما در این سنین میانسالی و پیری با ناباوری دریافتم که خدای عالم را با من دوستی و محبتی است. پروردگار عالم ابتدا فرشته ای را برای هدایت و آگاه نمودن من بسویم فرستاد. آن فرشته کسی نبود مگر روح القدس، که یار و همراه تعدادی از بزرگان دین الهی بوده است. این فرشته بزرگوار با رهنمود های بلند خود برای مدتی مرا بسوی این مأموریت الهی سوق میداد. در شبی از شبها فرشته مزبور مرا بشارتی داد و آن اینکه ساعتی بعد دل و جان من مورد حلول خداوند خالق هستی قرار میگیرد.

پروردگار منان برای اینکه بتوانم در مأموریت خطیری که در پیش رو دارم مراحل موفقیت را یک بیک طی کرده مردم وطنم را به سر منزل مقصود رسانم خود در اعماق دل و جان من جا

گرفته مرا در آنچه انجام میدهم از نزدیکترین موضع ممکن هدایت میکند. این فیض بزرگ در تاریخ بشر نصیب کمتر کسی گردیده و من از صمیم قلب خوشحالم که خداوند جلّ جلاله مرا برای اینچنین مورد اکرام قرار داده است.

باید گفت که آنانی که نسبت به حقیقت این ماجرا شک و تردید دارند، یا از کم و کیف آئین الهی بی اطلاعند یا اینکه از مسیر هدایت بکلی بدور افتاده اند.

دولتهای شرق و غرب

ما بنا داریم که با تمام دولتها روابطی دوستانه و بر اساس احترام متقابل داشته باشیم. در هر کشوری که با ما علاقه به روابط دوستانه سیاسی و اقتصادی داشته باشد دارای سفارتخانه خواهیم بود. علاوه بر آن حوزه هایی را در کشورهای عالم تأسیس خواهیم داشت که بتوانیم در آنها به نشر علوم الهی بپردازیم. این حوزه ها صرفاً جنبه فرهنگی داشته و از دخالت در امور سیاسی بر کنار خواهند بود.

دولتهای شرق و غرب هر یک نسبت بما و نهضت ما موضع گیری خواهند داشت. پیش بینی میشود بعضی از دولتها در وضعیت مخاصمه با ما قرار گیرند ولی ما بهیچ وجه پاسخ مخاصمه را با مخاصمه نخواهیم داد. پاسخ تهدیدات علنی یا برخوردهای مخاصمه آمیز تنها با قطع کامل روابط خواهد بود و نه غیر از آن. این بدین معنی نیست که ما در برابر دولتی اظهار ضعف نماییم. ارتش اقلیم شهریار ولی از تجهیزات کافی برای دفاع و مقابله برخوردار ولی عاری از سلاحهای کشتار جمعی خواهد بود.

من در نوشتار دیگری تحت عنوان وظایف دولت شهریار ولی مطالب نسبتاً مبسوطی را در خصوص کارکرد و تشکّل سیاسی که مورد نظر دولت ماست آورده ام. در این بخش اشاره کوتاهی نسبت به آنچه در پیش روست نمودم. توصیه میکنم برای آشنایی با بخشهای مختلف دولت شهریار ولی و وظایفی که هر یک از آنها بر عهده خواهند داشت به نوشتار مزبور رجوع شود. به اختصار بگویم که دولت شهریار ولی دارای سه بخش خواهد بود که بخش اصلی آن در شهر باکو و با نظارت مستقیم من تشکیل میشود. بخش ریاست جمهوری در شهر تهران، و بخشی نیز در شهر تبریز خواهیم داشت. این سه بخش در مجموع دستگاه حکومت شهریار ولی را تشکیل میدهند.

علت اینکه دولت شهریار ولی به این شکل عرضه میشود بخاطر علاقه من به یک دولت یا دستگاه عظیم نیست. بلکه بخاطر اینست که پیش بینی میشود که کشورهای متعددی بخواهند بر اساس سیستم فدرال به کشور مادر یعنی ایران بپیوندند. بدین خاطر میباید اساس رهبری بطرزی تنظیم شود که از عهده هدایت و حمایت دولتها و مردمان عزیز این کشورها بر آید. ما عمدتاً هدایت مردمانی را بدست میگیریم که در هلال شیعی زندگی میکنند که شامل آذربایجان، عراق، سوریه، لبنان میگردد. اما خداوند منان بنا دارد کشورهای غیر مسلمان را نیز بما ملحق کند که شامل دو کشور اسرائیل و ارمنستان میشود. مردمان عزیز و گرامی این مناطق با آگاهی نسبت به اینکه خداوند چه کسی را به میان عالم فرستاده است خواهند خواست که در اقلیم شهریار ولی قرار گرفته از مزایا و مواهب الهی که در این اقلیم موجود است بهره گیرند. ما نیز به این خواسته قلبی مردم بها میدهیم و از حسن انتخاب این ملتها استقبال میکنیم. امروز روزی ست که آستان خدای منان از شرق تا غرب گسترده و درهای رستگاری بر روی خلائق بیشمار باز خواهد بود زیرا فردی در میان عالم است که مهر برین یا میترا لقب یافته و خدای منان او را همانند پدری دلسوز مراقب و محافظ است...

بخش هفتم

فرائض دینی

من که از جانب خدای تعالی برای هدایت عالم بدینجا آمده ام بشما میگویم که بیشتر عبادات شما فاقد ارزشند. نماز و روزه تا جایی مفید و سودمندند که به روح انسان تعالی بخشند. اگر عبادات صرفاً بعنوان انجام یک سلسله اعمال تکراری در نظر گرفته شوند بهیچوجه نفعی را برای فرد عبادت کننده در بر ندارند. خدای تعالی نیازی به عبادت کسی ندارد و اگر عبادت میکنید در واقع بخاطر تهذیب روح خود شماست. ما برای انجام فرائض دینی کسی را مورد پرسش یا سؤال قرار نمیدهیم. اینگونه اعمال را جزو برنامه های شخصی و خصوصی افراد میدانیم و کسی را بخاطر انجام یا عدم انجام اعمال عبادتی تفتیش نمیکنیم. این از قبیل کارها و اعمال سخیفی ست که ملایان حاکم برا ایران سالها و دهه ها بدان پرداختند و ملّتی را از دین و ایمان رویگردان کردند تا همانند خودشان به کفر و الحاد بپیوندند.

دین و دینداری امری شخصی است و حتّی دانستن اینکه یک فرد چه دینی را دنبال میکند در حوزه اختیار دیگران بطور عام و حکومت بطور خاص نیست. بدون شک امام زمان در هنگام ظهور برای برقراری اسلام راستین برنامه ای را ارائه خواهد داد ولی ما بنا نداریم که برنامه های عبادی برای مردم کشورهای تحت سلطه طرح کنیم.

نماز و روزه

خواندن نمازهای یومیه که مسلمانان به آن همچون خواب و خوراک روزانه عادت دارند امروز اختیاری است. کسی را بخاطر نخواندن نماز یا نگرفتن روزه در عالم قبر یا در روز قیامت مؤاخذه نمیکنند. این افکار و اوهام فقط نتیجه بعضی از احادیث است که توسط ملّایان مورد استناد قرار گرفته و اسلام را بخطر انداخته آنرا در دل مردم به آئینی خشن و حتّی خطرناک مبدّل ساخته اند. کسی که نماز نخواند در آخرت مؤاخذه نمیشود ولی کسی که مردم آزاری کند و صغیر و کبیر از آزارش در امان نباشند قطعاً مؤاخذه میشود. روزه نگرفتن نزد خداوند منان کفاره ندارد ولی اگر با نیت تقرّب بخداوند روزه گرفتید شکستن نا وجه آن موجب کفّاره میشود.

بدانید و آگاه باشید که امروز این ما هستیم که منبع موثق اسلام و آیین محمد (ص) محسوب میشویم. اگر امری مورد سؤال و پرسش شماست بنزد آیت الله و حجت الاسلام نروید چرا که اینان را ما از عنوانهای جعلی شان ساقط نموده ایم و اگر به داشتن این عنوانها و جا زدن خود بعنوان مردان خدا اصرار داشته باشند با آنان بطور جدی برخورد خواهد شد. در عوض بنزد ما آیید تا بر آیین حق از منبعی که مورد تأیید الهی ست مطلع شوید.

مساجد

مساجد خانه خدا نام گرفته اند ولی خانه ای بزرگتر و عظیم تر از مسجد وجود دارد که جایگاه خداست و آن دل مؤمن است. امروز خدا را در دلهای خود و در دل من بجوید. خدای منان به شما از آنچه فکر میکنید نزدیکتر است. دست بر رگ گردن خود بگذارید. خدا به شما از آن نزدیکتر است. در ایران آینده نقش مساجد تغییر خواهد کرد و هر یک از آنها به مرکز فرهنگی تبدیل میشود. این یکی از روشهایی ست که ما برای کوتاه کردن دست آخوندها بکار میگیریم. روشهای دیگر را در میان نوشتارهای مختلف ذکر نموده ام که عمدتاً سلب مقام و خلع لباس از آنهاست. در ایران آینده فردی به عنوان آخوند یا ملا وجود نخواهد داشت و مراجع تقلید از مقام خود ساقط شده میباید عمامه داران حرفه ای شرافتمندانه برای خود برگزینند.

حج

انجام عبادت حج برای مسلمانان در عصر غیبت واجب محسوب نمیشود و ما بدون اینکه خواسته باشیم کسی را از این عمل شریف منع کنیم کسی را نیز بدان تشویق نمیکنیم. امروز فریضه حج اختیاری ست. هیچ مسلمانی بخاطر نرفتن به حج بازخواست نمیشود و آخرتش بخطر نمی افتد. اگر فیض حج برایتان دست داد از این فرصت استفاده کنید و وجود خود را به صلاح کشانید. تا در توبه باز است بخاطر خطاها و گناهان خود طلب مغفرت کنید. فضای حج برای اینکار ایده آل است. ولی اگر امکان سفر حج را ندارید در خانه های خود به دعا و مناجات بپردازید و برای مغفرت گناهانتان بدرگاه خدای منان زاری و تضرع کنید، باشد که دعایتان مقبول افتد و به فیض رستگاری نیل پیدا نمایید.

بست نشینی و اعتکاف

در میان عده ای از مذهبیین عملی تحت عنوان بست نشینی و اعتکاف مرسوم است. در اینکه اعتکاف در فرهنگ دینداری کاری مثبت است تردیدی نیست. ولی اگر اعتکاف بخواهد بصورت بهانه ای برای کناره گیری از مسئولیتهای زندگی در آمده برای مردان یا حتی زنان بعنوان راهی برای شانه خالی کردن از وظایفی مانند کسب و کار و نان آوری یا فرزند داری باشد عملی مذموم و قابل تقبیح است. مساجد نباید بعنوان محلی برای بست نشستن در اختیار کسی قرار گیرند. اگر کسی واقعاً بست نشستن و اعتکاف را با هدف نزدیک شدن به خدا و یا برای پالایش قلب و روح خود اختیار میکند میتواند برای این منظور اطاقی را کرایه نماید و بهتر اینکه در اطاقی از منزل خود به این کار دست زند. این باعث میشود که از محیط خانه و خانواده کاملاً منفک نگشته امکان دسترسی به او در شرایط دشواری یا فوریت وجود داشته باشد. من به الهام الهی راههای خطاکاری شما ایمانداران را مسدود میکنم. این بنفع شما و بنفع خانواده های شماست.

بخش هشتم

امرار معاش

مردمی که در اقلیم شهریار ولی زندگی میکنند برای امرار معاش روزمره به کارهای مثبت و مفید از قبیل سازندگی و مهندسی و علوم و صنایع و هزاران حرفه دیگر خواهند پرداخت. بطور کلی در آموزش حرفه های گوناگون برای زن و مرد هیچ محدودیتی موجود نیست و همه میتوانند در حرفه ای که دوست دارند مشغول آموزش و کار شوند. ما میخواهیم مردم کشورهای تحت سلطه از هر نظر در رفاه و آرامش بوده و از تمام مواهب تکنولوژی بهره مند باشند. کشورهای هلال شیعی از نظر صنایع و معادن دارای کارآمدی و فراوانی نعمت هستند. میباید از امکانات موجود استفاده حداکثری صورت گیرد تا مردم احساس کنند که بهترین حکومتها را دارا هستند. این بدین دلیل است که ما مردم خود را با عشق الهی و با فرهنگ انتظار خو داده و آنان را از آلودگیهای مختلف ذهنی که در حکومتهای دیگر جهان باب هستند بدور میداریم.

معاش یک فرد خداشناس البته میباید از راههای حلال صورت گیرد. از اینرو برای حصول اطمینان از این مسئله گروههایی را در میان مردم خواهیم داشت که بمنزله چشم و گوش ما خواهند بود. اگر فردی یا گروهی را شناسایی کنند که به کسبهای ناحلال اشتغال دارند بی وقفه به آنها تذکر لازم داده شده تخلف آنان از طریق قانونی مورد پیگرد قرار میگیرد.

امرار معاش در حکومت شهریار ولی باید برای اعتلای جامعه باشد و نه برای زراندوزی و سود شخصی. افرادی که برای سود شخصی و مال اندوزی به کار و کسب میپردازند نه تنها خدا را از خود ناخوشنود میسازند بلکه به بندگان خدا نیز خیانت میورزند. چرا میباید فردی که از حداقل امکانات تحصیلی نیز برخوردار نیست با هزار ترفند به پولهای کلان دست یابد در حالیکه افراد تحصیل کرده و قابل بیکار و یا بر سر کارهای پست و نازل باشند؟ در جامعه ای که بر اصول صحیح استوار است هرگز چنین تفاوت فاحشی به چشم نمی خورد.

بخش نهم

تدارک ظهور مهدی

ما برای همین تدارک به این جهان آمده ایم. من را بعنوان فیضی برای بشریت بدینجا فرستاده اند تا پیش از ظهور مهدی خط سیری را که رضایت خدای عالم را فراهم میآورد برای همگان ترسیم کنم. آنانی که دل به آموزه های ما بسپارند بدون به رستگاری نزدیک شده خود و خانواده های خود را از گزند که در راه است در امان خواهند داشت. گزند که بدست امام زمان بر صفوف کفرکیشان و معارضینی که بر علیه نهضت ما برخیزند وارد میشود گزند ساده نیست. بلکه تار و پود آنها در هم شکسته و برایشان نیستی و خسران در این جهان و آتش سوزان جهنم در آخرت رقم زده میشود. من از جانب خداوند منان این مأموریت را دارم که حکومتی برای مقابله با توطئه سفیانی و یارانش تشکیل دهم تا ایمانداران بر زیر یک پرچم گرد آمده خود را برای ظهور آن امام عالیقدر آماده و مهیا سازند. تقریباً همزمان با ظهور امام زمان شخصیتی دیگر نیز از فرق آسمان بر زمین نازل میشود. او کسی نیست مگر مسیح روح الله که بار دیگر بر زمین قدم میگذارد تا اساس کفر و بدکیشی را در میان جوامع یهودی و مسیحی براندازد. یکی از هدفهای ظهور مسیحا مبارزه با یکی از مظاهر شر و پلیدی یعنی دجال و فرستادن او به کام نیستی است. این وقایع که بسرعت وقوع میابند جهان را وارد مرحله آخر حیات بشری میکنند. مرحله ای که پس از چندی به برچیده شدن زمین و زمان و مهیا شدن صحرای قیامت میانجامد. برای آشنایی با وقایعی که در پیش رو هستند توصیه میکنم به نوشتار من تحت عنوان قیامت صغری رجوع شود.

فرهنگ انتظار

برای اینکه مردمان اقلیمی که در تحت رهبری ماست نسبت به ظهور زود هنگام مهدی موعود آگاهی لازم را داشته و انتظار ظهور در وجودشان نهادینه شود بنا داریم که فرهنگ انتظار را آنگونه که شایسته است در میان آنان رواج دهیم. این فرهنگ عبارت از اینست که بخشی از سیستم های تبلیغاتی و منابع ارتباط جمعی، تلویزیون، رادیو، و سینما و نیز تالارهای اندیشه در خدمت نشر فرهنگ ظهور مهدی قرار گیرند.

در حکومتی که من مجری آن خواهم بود این فرهنگ که به نهادینه شدن فکر و امید ظهور مهدی کمک میکند میباید اشائء یابد. برای نیل به این هدف من برنامه های عمومی را مطابق آنچه ذکر شد در نظر دارم. ولی برنامه های شخصی نیز از قبیل شرکت من در کنفرانسهای جهانی و دادن مصاحبه و نیز ادای سخنرانی در دستور کار خواهد بود. من که عادت به نوشتن نیز دارم کتابهایی را بمرور برشته تحریر در خواهم آورد تا برای پیشبرد علوم الهی سهم خود را در دوران حیاتم نسبت به بشریت ادا نموده باشم.

حکومت شهریار ولی

کشورهایی که در تحت سلطه ما قرار میگیرند تحت عنوان ممالک فدرال شهریار ولی همگی با یک آئین نامه و سیستم مشابه که با دقت توسط قانونگذاران تنظیم میشود اداره خواهند شد. حکومت ما بی شباهت به حکومت دو تن از بزرگان تاریخ بشر نمیباشد. از یک طرف کوروش کبیر که از بزرگترین پادشاهان تمام روزگاران بوده ممالک متعددی را با درایت و بزرگمنشی بی سابقه در ید قدرت خود داشت و وجودش موجب آرامش و سعادت بی سابقه و بی نظیر برای مردم بود. از طرف دیگر حکومت ذوالقرنین پادشاهی که در تاریخ نامی از او باقی نمانده ولی در قرآن کریم ذکر پاره ای از کارها و اعمال فوق العاده وی رفته است. ما نیز همانند این بزرگان حکومتی را بلطف خداوند منان تشکیل خواهیم داد که بر اساس عدل و برابری اداره و در آن هیچگونه حقی از کسی ضایع نمیگردد. اینچنین حکومتی در دنیای حاضر تنها میتواند بدست یکی از بزرگان عالم قدس یعنی شهریار ولی برقرار و برپا شود.

ما برای مردمان تحت سلطه نه تنها یک رهبر بلکه حکم فردی را خواهیم داشت که دارای تمام ظواهر و مظاهر خداگونگی ست. مرا در هر قدم از این راه یارانی همراهی خواهند کرد. این یاران را خداوند منان از طریق الهام بمن شناسانده است. اگر کسی از میان این یاران از انتخاب خود راضی نیست و میل جدا شدن از ما را دارد برای این کار آزاد است. اما اگر بدانیم که به جبهه مقابل یعنی به خیل یاران سفیانی پیوسته است از این خیانت آشکار بسادگی نخواهیم گذشت. ایرانیان اینک بلطف پروردگار و بکمک ما به نزدیکترین یاران نهضت امام زمان مبدل میگردند. این فیضی عظیم است و برای من که ایرانی هستم باعث بسی سربلندی ست که بسیاری از هموطنانم از مهر پروردگار رحمان و رحیم و از لطف امام زمان مهدی (عج) بهره مند خواهند بود. به سفیانی و یاران پلید او میگوییم که بهتر است خود را زحمت ندهید زیرا ما بر خلاف شما از حمایت الهی برخورداریم و یاران ما با امام زمان

بیعت کرده اند و انتظار ظهور ویرا میکشند. بهتر نیست پیش از آنکه صحرای بیداء شما را در خود ببلعد و محوتان سازد بجمع ما بپیوندید؟

من که شهریار ولی هستم با خدای خود که در میان دل و جانم قرار دارد روزانه در ارتباط نزدیک و مستمر میباشم. خداوند تعالی از آنچه در فکر من میگذرد با اطلاع و در صورتیکه فکر نامساعدی در ذهن داشته باشم مرا اصلاح میکند. ممکن است بگویید این کاری ست که عقل انسان انجام میدهد و این صحت دارد. اما آنچه خداوند برای من انجام میدهد از وظیفه ای که عقل در ذهن من دارد بسیار فراتر میرود. خداوند در نقش پدری ناصح در وجود من فعالیت میکند و با من در رابطه ای دوستانه، محبانه، و حتی عاشقانه است. مگر نه اینکه پدر بیش از هر فرد دیگری به فرزند خود عشق میورزد؟ خدای منان نیز مرا نه بعنوان یک فرزند بلکه فرزند خوانده دوست میدارد و برای اثبات این دوستی مرا بزودی بر فرق عالم هستی مینشاند. اگر این ارتباط برای عده ای خوشایند نیست توصیه میکنم که از بودن در چنگال شیطان خود را نجات دهند و بر مدار ما قرار گیرند. این برای آنها بهتر است و درهای رستگاری را بر رویشان میگشاید...

کشورهای فدرال

اقلیمی که زیر سلطه من اداره میشود متشکل از چندین کشور خواهد بود که با سیستم فدرال بهم مربوط و وابسته اند. کشورهای ایران، آذربایجان، عراق، سوریه، لبنان، و اسرائیل از عمده این کشورها هستند که میتوان گفت همه بجز اسرائیل هلال شیعیه را تشکیل میدهند. اسرائیل از کشورهایی ست که بما و به دولتهای فدرال زیر سلطه ما میپیوندد. علت این امر اینست که مردم اسرائیل مدتهاست در انتظار ظهور شخصیتی موسوم به الیاس هستند. این شخصیت امروز در قالب من ظهور نموده است تا عالم یهود و بخشی از مسیحیت را به صلاح کشانده آنانرا در مسیر کمال رهنمون باشم.

بخش دهم

شطحات

امروز این منم که برای اصلاح کار جهان بمیان شما آمده ام. من که در عالم قدس با مطهران و ملائکه دمخور بوده ام برای بهبود حال عالم گسیل شده ام. خدای عالم امروز در قلب من جای دارد و مرا به افقهای بلند میرساند. جای من بر فرق عالم است چرا که خدای عالم مرا برگزیده تا حامل و نورافشان عرش او باشم. عرش الهی با وجود ما نورانی ست و خدای عالم خود در پس پرده به نظاره ما نشسته است. خلقهای بسیار و کربویان عالم بالا نور خدا را از ما میگیرند و برای دریافت این نور بیتابی میکنند. خدای عالم در دلهای هر یک از شما نیز جایگاهی دارد. چرا بی آب نشسته اید که آب در کوزه و در کنار شماست؟ پس خود را بشناسید تا خدای خود را شناخته باشید.

مرا امروز بر جایگاه نور چون خورشید نهاده اند تا بر عالمی نور افشانم

چه نشسته ای که تو را نیز همچون ما بنزد خدای دو عالم جایگاهی ست

منم که همچون سیمرغ کوه قاف بر فراز عالم قدس جای دارم و کسی را یارای رسیدن به بلندای زیستگاه ما نیست. من به شراب عشق الهی سرخوشم و برای روزهایی که در زیر عرش الهی و در جایگاهی رفیع سر کنم لحظه شماری میکنم. پروردگارم مرا در صدر مخلوقاتش نشانده و از اینکه نور و علم او را نمایندگی کنم خوشنود است چرا که بمن عشق میورزد. خفاش صفتان از این عشق چیزی درک نمیکنند و برای آنان عشق مفهومی جز خوشی لحظه ای و پوچی گرایی ندارد. عشق مجنون به لیلی و عشق مولانا به شمس برای اینان امری موهوم و غیر قابل درک است. ما را خدای تعالی به بزرگی رساند چرا که اساس و نسل و نوع ما از نور است. ما را از نور ساختند تا نورافشانی کنیم. خدای تعالی برای اینکه شرایط مطلوبی در عالم قدس برقرار باشد مرا نماینده نور و علم خویش قرار داد و هرگاه ساکنان قدس بخواهند خدا را مشاهده کنند ما را مدار قرار میدهند. این است جایگاه ما، شهریار ولی...